

# نقش انقلابی طبقه کارگر در دوران گذار و سازندگی

تبلیغات سوء دشمن بر بنیان نارضایتی مردم پدید خواهد آمد و چه امکانات مساعدی در دسترس دشمنان حمله باز انقلاب مافرا خواهد گرفت. بهمین جهت کارگران آگاه، در چند ماهه پس از انقلاب بخشی قابل توجهی از مؤسسات صنعتی را مجدداً بحرکت درآورده اند و به اعتلاء اقتصاد کشور یاری رسانده اند.

و انقلاب را به ثمر رسانده، در دوران پس از انقلاب نقش انقلابی طبقه کارگر، در کمک به پیش برد انقلاب، در حفظ انقلاب از گزند دشمنان رنگارنگ و در عقیم گذاردن نقشه ضداقلاب است. کارگران پیشرو، خود به این مهم واقفند که اگر چرخهای اقتصاد کشور بهمت آنان دوباره به گردش در نیاید، در شرایط تعطیل و توقف مؤسسات صنعتی و در شرایط کاهش تولیدات، چه فرصت مناسبی برای

رژیم دست نشاندۀ آنرا فشرده، که ادامه بقارا از آن سلب کرد. نقش انقلابی طبقه کارگر در دوران پس از انقلاب که دوران گذار و سازندگی است، طبیعاً باید متناسب با شرایط نوین و در خدمت اهداف انقلاب باشد. اگر در دوران قبل از انقلاب کارگران با کم کاری، با اعتصابهای موضعی و سپس با اعتصاب سراسری، بویژه در مراکز حساس اقتصاد کشور، بمثابه پیشاهنگ عمل نمودند

نقش طبقه کارگر در دوران انقلاب، نقشی قاطع و سرنوشت ساز بود. طبقه کارگر ایران باستن عالی مبارزات صنعتی و سیاسی نیم قرنسی خود، به آن درجه از آگاهی طبقاتی رسیده بود که توانست در لحظه معین تاریخی، با عمل قاطع انقلابی خود، ضربه نهائی را بردشمن وارد سازد و انقلاب را سریماً به پیروزی برساند. اعتصابهای سراسری، به ویژه اعتصاب کارگران نفت، چنان گلوی امپریالیسم و



تک شماره ۱۵ ریال

بقیه در صفحه ۵

## نامه سرگشاده

کمیته مرکزی حزب توده ایران

به دولت موقت جمهوری اسلامی ایران، به دادگاه انقلاب درباره

## رفقای شهید گمشده،

### سرگرد حسن رزمی و مهندس محمد حسین معصوم زاده



مهندس محمد حسین معصوم زاده

رفقای حزبی ما سرگرد حسن رزمی و مهندس محمد حسین معصوم زاده توسط مأموران جنایتکار ساواک شاه مخلوع، سر به نیست شده اند و متأسفانه تمام کوشش ما برای پیدا کردن ردپائی از آنان و چگونگی شهادتشان و عاملین قتل تاکنون بجائی نرسیده است. از دولت موقت و از دادگاه انقلاب می طلبیم که در این راه ما را یاری دهند.



سرگرد حسن رزمی

عباس شهرباری، مامور ساواک، آشکار گردید اثری از این رفقا پیدا نشد. در همان زمان حزب ما تلاش فراوانی برای آگاهی از سر نوشت آنان بکار برد، ولی متأسفانه هیچ اثری از این رفقا پیدا نشد، اما تمام شواهد حاکی از این بود که رفقا رزمی و معصوم زاده را ساواک، بهمان شیوه ای که

در دوران رژیم شاه سابق رفقای مبارز، رزمی و معصوم زاده با دستور حزب، در شرایطی بسیار دشوار و خطرناک، برای ادامه نبرد علیه رژیم سلطنتی ایران فروش و بار با بان امپریالیستش، از مهاجرت اجباری سیاسی بهمین بازگشتند. پس از دوسال کار در ایران، هنگامیکه خیانت

بسیاری از مبارزان را سر به نیست کرده، این رفقا را نیز نابود کرده است. ولی چگونه، در چه موقع، توسط چه کسانی؟ در آن زمان برای این پرسشها پاسخی بدست نیامد. طی چند ماهی که از فعالیت آزاد بقیه در صفحه ۳

## بر ضد تروریسم باید اقدامات عاجل و مؤثر بعمل آید

تروریسم قهرنی و آیت الله مطهری و سوء قصد به حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی، زنک خطری است که هر بار باطنین مخوف به صدا درمی آید و نشان میدهد که ضد انقلاب عموماً و امپریالیسم درنده و زخمی آمریکا و عمالش خصوصاً، هار شده است. در برابر این تروریسم ضد انقلابی نه فقط باید هشیار بود و دعوت به هشیار بودن کرد، ایمنی جان شخصیتها را تامین کرد، بلکه همچنین لازم است که برای قطع دست جنایتکاران و کشف سازمانهای آنها تدابیر عملی دقیق و سریع اتخاذ کرد.

هدف از تروریسم شخصیتها از جانب ضد انقلاب، نه فقط از میان برداشتن افراد برجسته، بلکه بیشتر بخاطر ایجاد رعب در میان صفوف نیروهای انقلابی، بخاطر ایجاد امید در میان نیروهای ضد انقلابی، بخاطر ایجاد تفرقه و بجان هم انداختن نیروهای انقلابی، بخاطر استتار ناتوانی و ناس صدا انقلاب و بخاطر اینستکه توهم «قدرت» ضد انقلاب در اذهان بوجود آید تا محیطی مناسب برای تجری صدا انقلاب و تشکل صفوف گسسته آن فراهم گردد تا ناتوانی کنونی رفته رفته به توانائی بدل گردد و جبهه ضد انقلاب آرایش یابد. تبلیغاتی که پیرامون این ترورها صورت میگیرد، اگر از آگاهی انقلابی مایه نگرفته باشد و دشمن انقلاب را هدف بگیرد، زبانی که کمتر از آسیاب امپریالیسم و صهیونیسم و ضد انقلاب داخلی میریزد، کسار تبهکاران آدمکش را آسان میکند.

این اولین بار نیست، منحصر به کشورمان نیست که ضد انقلاب ترور شخصیتها را بعنوان وسیله پیشبرد کار خود بکار می بندد. امپریالیسم آمریکا، با سازمانهای گانگستریش: سیا، ساواک، موساد، و غیره، در این تبهکاری تخصص دارد.

امپریالیسم بانکی معتقد است که اگر از یکسو جو رعب و هراس ایجاد کند و از سوی دیگر دام تبلیغاتی زهر آگینی در ایجاد تفرقه بین نیروهای انقلابی بگسترده، زمینه و امکان برای حمله ضد انقلاب فراهم میشود. آنچه که گفته شد، مطالب تازه ای نیست. اینها واقعیاتی است معلوم، ولی این واقعیات حکم میکنند که با کرداری و قاطعیت تام میبایستی بر ضد تروریسم اقدامات عاجل و مؤثر بعمل آید و همراهِ با این اقدامات میباید نیروهای انقلابی بسیج شوند و با اتحاد در جبهه متحد خلق برای سرکوب کامل ضد انقلاب قطع دست امپریالیسم، صهیونیسم و دستیاران و عمال داخلی آنها بمقابله برخیزند. دزد بازار آشفته میخواهد. ترور جنایتکارانه شخصیتها برای ایجاد آشفستگی است. آنرا متحداً و قاطعانه افتاء و سرکوب کنیم.

## عدالت حکم میکند

### که جانان و خائنان بلا قائل کیفر ببینند

اقرار بر لزوم چند تن از شکنجه گران ساواک در روزهای اخیر، گوشه ای از جنایات هولناکی است که این سازمان دوزخی، که رکن اساسی دوام رژیم نکتب بار شاه مخلوع بود، طی حیات شوم ۲۱ ساله خود، علیه مبارزان مرتکب شده است. این اعترافات بر آن جنایت موحشی بر تو افکند که از طرف یک رژیم جنایتکار بر یک خلق مبارز و نستوه رفته است. در نتیجه این اعترافات فاش شد که چگونه عمال زجر و عذاب ساواک برای شکار آزاد بخوانان نقشه می چیده اند، چگونه از طریق گروههای مراقبت و تمقیب و کنترل، مبارزان دانشناسانی و آنها را دستگیر می کرده اند؛ چگونه از همان نخستین

بقیه در صفحه ۴

## انقلاب و زایش نظام نوین انقلابی

بحثی درباره سه مرحله مهم انقلاب در کشورما (بر اندازی، گذار، نوسازی) و وظایف ویژه هر مرحله

انقلاب ایران، مانند هر انقلاب دیگری، یک «روند» (پروسه) کما بیش طولانی است، که طی آن باید وظایف سه گانه زیرین بتدریج، و در جریان نبرد، انجام پذیرد:

۱- از میان برداشتن آن سد اساسی که مانع تکامل جامعه بود. این سد اساسی، یعنی رژیم ضد ملی و ضد دمکراتیک محمد رضا پهلوی، در جریان مبارزات حماسی سال ۱۳۵۷ از میان برداشته شد. این وظیفه انجام گرفت. آن وحدت هدف و عمل و آن نبرد بی امان و بی گیر، که لازمه اجراء وظیفه دشوار این مرحله بود، خوشبختانه تحقق یافت و یک انقلاب تاریخی و دارای برد عظیم جهانی عملی گردید.

۳- سرانجام دورانی فرامیرسد که انقلاب کما بیش تکلیف خود را میداند که بکدام نیروها تکیه کند و از چه راه برود، میدانند که خواستار استقرار چگونه نظامی است؛ روشن میشود که سیاست خارجی و داخلی، سیاست اقتصادی و فرهنگی، قشرها و طبقاتی که باید مورد تکیه قرار گیرند، قشرها و طبقاتی که باید از صحنه قدرت دور شوند، کدامند؛ این دوران دوران نوسازی اجتماعی است. خود این دوران نوسازی اجتماعی برای آنکه یاقرص کند، کادرهای لازم خود را بیابد، شیوه های لازم عمل خود را درک کند، بر کارائی و ثمر بخشی عمل خود بیافزاید، بتواند اکثریت جامعه را بخود جلب کند و تثبیت نوینی را جانشین تثبیت ارتجاعی گذشته کند، بزمان احتیاج دارد. اگر این نوسازی بر پایه اجتماعی وسیع و تئوری سیاسی جا افتاده ای متکی

۲- مبارزه نیروهای مختلف انقلابی بر سر راه یافتن بهترین شیوه حل معضلاتی که سيطرة رژیم و از گون شده، بوجود آورده بود. این مبارزه چندان ادامه می یابد تا آنکه، با بر اساس توافق همه نیروها (که بهترین شکل عمل است) و با ناگزیر بر اساس چیرگی اجتماعی یک یا چند نیرو، این راه و این مطلب روشن شود. لذا این دوره، دوره دلایه

بقیه در صفحه ۵

## رویدادهای ایران

- \* در محاکمه علنی شکنجه گران ساواک پاسخ بسیاری از پرسشها داده میشود
- \* به ساواکیها میدان ندهید
- \* حقایق تکان دهنده از زبان آقای رجوی
- \* خطر آشوبگران در کردستان
- \* شعار «زنده باد شاه» تبدیل به شعار «مرگ بر کمونیست» شد
- \* حمله به کتابقروشیهای تهران تدارک میشود
- \* مشروح خبرها در صفحه ۲

# «مردم» و شما

هنوز بیش از چند شماره ای از «مردم» انتشار نیافته که مردمی که آن را متعلق به خود می دانند، به آدرس ما نامه های متعددی می فرستند، نظریات اصلاحی، انتقادی و پیشنهادی خود را می نویسند. پرش های را مطرح می کنند و گاه مقالاتی و اشعار ارسال می دارند.

«مردم» مال شماست و بدیهی است که پس از این نخستین شماره های دوره جدیدش، ستون های نویسنده متعلق به خوانندگان را باز کند، از این پس در ستون «مردم» و شما نوشته ها و نظریات شما منعکس می کنیم و در ستون «پرسشها و پاسخها» به سؤالات شما به طور خلاصه پاسخ می دهیم.

درخواست ما اینست که، مقالات و نظریات خود را تا حد امکان کوتاه بنویسند.

نوشته ها بر روی یک طرف کاغذ باشند. اگر میل ندارید نام شما در روزنامه قید شود حتما در نامه متذکر شوید.

اخباری را که می فرستید، جدا از مطالب و نظریات بنویسید، زیرا در ستون های جدا گانه منعکس خواهد شد.

به هیئت تحریریه اجازه دهید که حق کوتاه کردن مطالب وارده و یا انتخاب اشعار واصله و غیره را داشته باشد.

علاوه بر ارسال نامه به وسیله پست اگر میل دارید می توانید مقیما نامه های خود را به دفتر روزنامه در تهران، خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ در صندوق ویژه کنار در ورودی بیاورید.

رفیق ارجمند مرتضی ن نامه دوم شما رسید. ۱ - انتقاد بمنظور بهبود کار روزنامه است و بنابر این ما از آن با آغوش باز حسن استقبال می کنیم، والبته اگر پیشنهادی هم ضمیمه باشد، که چه بهتر، ۲ - مسئله قانون اساسی را همانطور که مینویسید میتوان از مهمترین مسائل در حال حاضر دانست. عین متن قوانین اساسی سایر کشورها را، بعلمت حجم روزنامه بدشواری میتوان چاپ کرد (قانون اساسی اتحاد شوروی، که نام برده اید، جدا گانه بشکل جزوه ای چاپ شده و در دسترس همگان است) اصل پیشنهاد شما درست است و آن توجه خواهیم کرد. ۳ - مسئله لزوم نظرات علیه آمریکا و دسایس آن، در فاصله رسیدن نامه شما بصورت نظرات عظیم هفته قبل، بویژه روزهای پنجشنبه و جمعه، انجام شد. در این زمینه مطالب مربوطه را در «مردم» خوانده اید. ۴ - (۱) تنها علامت تعجب نیست، بلکه علامت ندامت هست و در رسم الخط کنونی فارسی و سایر خطوط، هم کس بهمین معنا از آن استفاده میکنند. بهمین معنا مینویسیم، رفق! هموطنان! رفیق مرتضی!

از یک نامه واصله به «مردم» با امضای الف ر. جملاتی را نقل می کنیم. دوست ما مینویسد: «اقتصاد سالم، افراسالم بوجود می آورد و اجتماع شکوفا میشود. نوع بشر در توله نه زرد است نه چنایتکار نه زیاده طلب نه کینه توز نه حسود نه بخیل. ولی اقتصاد غلط، یعنی زندگی بلبشوی ناشی از آن، صفات مذموم را بوجود می آورد. باید جامعه منظمی درست کنیم...»

دوست ما بهزاد، در نامه خود، که مقاله ماندنی است، زیر عنوان «بخاطر زحمتکشان سراسر جهان اختلافات غیر اخلاقی را بدور اندازید» منجمله چنین مینویسد: «جنگ چین علیه ویتنام یکی بر سر همه مبارزان ضد استعمار و استعمار در سراسر جهان است.» نویسنده نامه با حملتی که سی سال مبارزه اش علیه استعمارگران آمریکائی و فرانسوی تحسین همه جهانیان را بخود معطوف داشته است، ابراز همبستگی می کند

# رویدادهای ایران

## در محاکمه علنی شکنجه گران ساواک پاسخ بسیاری از پرسشها داده میشود

همزمان با اعترافات تکان دهنده دو شکنجه گر معرف ساواک، یعنی تهرانی و آرش، که طی چند روز اخیر از طریق تلویزیون و مطبوعات با اطلاع مردم رسید، مراجعات تعداد زیادی از خانواده های زندانیان سیاسی مقفود شده، به سازمانها و مراجع رسیدگی به تظلمات بالا گرفته است.

واقعیت اینست که دهها و بلکه صدها رزمنده خلق، که طی سالهای گذشته وسیله شکارچیان ساواک شکار شده و به بیخوله های اوین و کمپته و قزل قلعه و عادل آباد، و... منتقل گردیده و زیر شدیدترین شکنجه ها قرار گرفته اند، جزو زندانیان سیاسی آزاد شده نیستند و هنوز کسی از سر نوشت واقعی آنها اطلاعی ندارد.

نحوه شهادت این زندانیان معلوم نیست، همچنان که محل به خاک سپاریشان مشخص نیست. گفته میشود که ساواک اجساد تعدادی از زندانیان سیاسی را، که زیر شکنجه شهید شده اند و یا به جوخه اعدام و تیرباران سپرده شده اند، در دره های کوههای دماوند ویا کویر قم انداخته است، که صحت و سقم این شایعات نیز هنوز از سوی هیچ مقام مسئولی تأیید و یا تکذیب نشده است. با اعترافات تهرانی، مبنی بر خود کشی های اجباری و شهادت زندانیان زیر شکنجه و یا صحنه سازهایی که ساواک برای به شهادت رساندن زندانیان، نظیر برنامه ضد انسانی و وحشیانه ای که برای گروه ۹ نفری جزنی - ظریفی پیاده شده است، خانواده های زندانیان سیاسی تلاش وسیعی را آغاز کرده اند تا بدانند بر سر فرزندان مقفود شده شان چه آمده است. متاسفانه در جریان مصاحبه سرودست شکسته ای که با تهرانی شکنجه گر انجام شد و وسیله تلویزیون پخش گردید، دهها و بلکه صدها سؤال در این زمینه مسکوت ماند و نه تنها پاسخی بدان داده نشد، بلکه اصلا از سوی سؤال کننده به عمد و یا از روی بی اطلاعی طرح نگردید. در حالی که هزاران خانواده، که در سالهای اخیر زندانی و شهید داده اند، بی صبرانه منتظر بودند از زبان این شکنجه گر با سابقه و معروف، که به گفته خودش، در تمام عملیات ضد انسانی ساواک از بعد از واقعه سیاهکل شرکت داشته و قبل از آن نیز شکر الله پاک نژاد از او و اعمال ضد بشری اش در دفاعیات خود نام برده است، بسیاری از حقایق آشکار شود. از جنایات این شکارچی مبارزان، زندانیان سیاسی قدیمی ایران، از جمله صفرخان، قدیمی ترین زندانی سیاسی ایران، و افسران توده ای، که اخیرا از زندان، پس از ۲۵ سال آزاد شده اند دهها خاطره تلخ و هولناک بیاد دارند و حتی شاهد بسیاری از جنایات وی و دیگر همدستانش قبل از سالهای ۴۵-۵۰ بوده اند. این وظیفه تاریخی و انسانی به گردن تمام گردانندگان دادگاههای انقلاب و گردانندگان وسائل ارتباط جمعی و از جمله رادیو و تلویزیون است که بیشترین کوشش را در شناساندن این خائنین و دیگر همپالکی هایشان به مردم ایران بکار ببرند و در زمینه کشف حقایق و طرح سؤال، از رزمندگانی که سر بلند از شکنجه گاههای ساواک شاه بیرون آمده اند، استفاده کنند.

این حسن نیت و تلاش میتواند حداقل پاسخی باشد به صدها پدر و مادر فرزند از دست داده، که بی صبرانه میخواهند بدانند بر سر فرزند دلبندشان چه آمده است و اکنون جسدشان کجاست و بدست چه کسانی به شهادت رسیده اند. ما نیز همچون دیگر داغدیدگان و شهید دادگان سالهای اخیر، مصرا خواهان محاکمه علنی دژخیمی نظیر آرش و تهرانی و وحشی و عضدی و منوچهری و... باشکرت شهید و خانواده شهدا و نمایندگان تمام سازمانهای سیاسی که شهید داده اند و میخواهند بدانند بر سر اعضای مقفود شده شان چه آمده، هستیم.

## به ساواکی ها میدان ندهید

در روزهای اخیر، همزمان با سوء قصد ناجوانمردانه نسبت به حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی، بر تعداد حملات شبانه به پاسداران اضافه شده است و بر اساس گزارشهای که درجارید بچاپ رسیده، ضد انقلابیون با اتومبیلهای رنگارنگ، شبها در خیابان های مختلف، پاسداران را با شناسائی قبلی و یا بطور اتفاقی به گلوله می بندند. در این عملیات، بنظر ما، بازماندگان ساواک، که متاسفانه اخباری در جهت رحیم و شفقت نسبت به آنها درجارید چاپ میشود و در چند مورد حتی با وثیقه آزاد شده اند، دست دارند و باز بنظر ما، دست برخی از یاران و نزدیکان تعدادی از اعدام شدگان دادگاه انقلاب در کار است. دستگیری و شناسائی و کنترل هر چه وسیعتر ما موران ساواک ادامه بی وقفه کار رسیدگی به پرونده متهمان ساواک و نیروهای مسلح در زمان شاه مخلوع در دادگاههای انقلاب و زیر نظر گرفتن خانواده و نزدیکان برخی از اعدام شدگان اخیر، بی شک در کنترل شهرها و محدود کردن عملیات ضد انقلابیون مؤثر خواهد بود. در غیر اینصورت است که شکار پاسداران و ترور رزمندگان و انقلابیون در خانه و خیابان ادامه خواهد یافت و دست ضد انقلابیون واقعی هر روز با زور از روز گذشته خواهد شد.

## حقایق تکانه دهنده از زبان آقای مسعود رجوی

در حاشیه تلاشهایی که از سوی محافل مشخصی میشود، تا امپریالیسم آمریکا را از زیر ضربات بی امان رهبری انقلاب و خلق بپا خاسته ایران بیرون بیاورند و با ایجاد فضای مسموم ناشی از تبلیغات ضد انقلابی راست و «چپ»، زمینه را برای محکم نمودن زیر پای امپریالیسم آمریکا و اعمال سرسپرده و باقی مانده اش فراهم کنند، در گرد هم آئی با شکوهی که بدعوت سازمان مجاهدین خلق، بمناسبت شهادت پنج رزمنده بنام این سازمان و همچنین بمناسبت قطعنامه

و از «پاره کردن اصول اخلاقی و انسانی و منافع کلی زحمتکشان» نگرانی خود را بیان میدارد و مینویسد که «این آرزوی امپریالیستهاست». دوست عزیز، منتظر نامه های دیگر شما هستیم.

آقای استعمار شونده ۱ نامه دیگر دیگر شما در باره تشبیهات جنایت کارانه امپریالیسم آمریکا و ایبائی که سروده بودید، رسید، همه مردم ایران در این روزها - اگر چه در صفوف جدا گانه - توانستند مخالفت صریح خود را با نقشه های امپریالیسم آمریکا و عمال و کارگزاران

مداخله گران سنای آمریکا تشکیل شده بود، آقای مسعود رجوی، یکی از رهبران این سازمان، طی سخنانی از تلاشهایی پرده برداشت که آمریکا يك لحظه از آن غافل نیست و هدف از آن دست ندادن ایران و ویران کردن دستاوردهای انقلابی مردم ایران است. ما تنها برای جلب توجه هر چه بیشتر همه مبارزان و تمام خلق ایران به دسائسی که بی وقفه در جریان است و همچنین برای هشدار به آذسته ها گروههایی که سعی دارند جنگ صلیبی در ایران برآه اندازند و جبهه نبرد را که جبهه ضد امپریالیستی است، عوض کنند، نکاتی از افشاگری بجسا و به حق آقای مسعود رجوی را در اینجا نقل می کنیم.

آمریکا يك ارتش صد هزار نفری برای مناطقی که حالت انفجاری دارند، اختصاص داده است، مثل خلیج فارس، عراق، ایران، شمال عمان و دریای عرب؛

کودتای ضد خلقی ۲۸ مرداد حداقل دو سال قبل از وقوع تدارک دیده شده بود و اکنون کریمیت روزولت، طراح این کودتا و عضو سازمان سیا، دوباره بکار فراخوانده شده است و ملاقاتهایی با دوست صمیمی اش ترنر، رئیس فملی سازمان سیا انجام داده است.

اکنون تحت رهبری فردی بنام «دیوید دامون»، يك گروه ویژه چهل پنج نفری از کارشناسان درجه اول سیا و پنتاگون و خزانه داری، در کاخ سفید برای مطالعه روی ایران تشکیل شده است. این عملیات را آقای نیو سام سازمان داده است که فارغ التحصیل کالج دفاع ملی و متخصص سرکوب جنبش ها و انجام کودتاهاست.

گزارشهای سری سیا، سازمان جاسوسی آمریکا، نشان میدهد که برنامه ریزی مشخصی در دست است که رهبران سازمانهای انقلابی در ایران را ترور کنند. این برنامه از سه ماه دیگر شروع به اجراء خواهد شد. یعنی پس از کسب اطلاعات و شناسائی های لازم، و تازه اینها شمه ای از حملات مستقیم است. کاش دشمن همیشه اینطور حمله میکرد. کاش فقط از زور و بر حمل می کرد، ولی هیئات که روشهای غیر مستقیم بسیار خطرناک تر است.

## خطر آشوبگران در کردستان

تاکنون در کردستان کمتر کسی از عوامل رژیم پیشین مجازات شده است. برعکس، میدان وسیعی برای فعالیت آنها فراهم آمده است. در مناطق سومالی - دوست، گورک، دیواندره، قرباغ و ناله شکه، عموم مالکین مسلح هستند و به شیوه های مختلف کشاورزان را تحت فشار قرار می دهند و دست به تشکیل اتحادیه های عشایری زنند. بملایه قیاده موقت (بقایای دارو دسته مصطفی بارزانی) بستال سرنگونی رژیم یوشالی پهلوی نه تنها موقعیت خود را در مناطق مرزی از دست نداده است، بلکه در لوای دفاع از اسلام و با نام دولت، به اذیت و آزار مبارزان می پردازد، در منطقه مریوان، دزلی و اورامانات، دهقانان را مجازات می کند، اسلحه مردم را ببنفع خود ضبط می نماید، معلمان را دستگیر و تهدید بمرگ می کند، بطوریکه معلمان از مراجعه به دهات برای تدریس خودداری می کنند. افسراد مسلح این گروه در راه اورامانات دست به کشتار زنان بیکناه میزنند و با همراهی مالکان و فئودالهای سابق، منطقه وسیعی از مریوان را تحت نظر گرفته اند. آنها در شهر مریوان بخانه مبارزان و حتی اعضاء کمیته انقلاب اسلامی بمب می اندازند و ایجاد وحشت میکنند. این گروهها بصورت پایگاهی برای پناه دادن عوامل ارتجاعی رژیم سابق در آمده است. برادرسالاجاف و پالیزیان، مزور شاه سابق، و عدای از ساواکیها از امکانات این نیروهای ارتجاعی برای توطئه علیه انقلاب استفاده می برند. دولت در مقابل اعتراض احزاب و جمعیت های ملی در این منطقه، سکوت اختیار کرده و این باعث دامن زدن به بدگمانی توده مردم شده است، در حالیکه وظیفه دولت است که هر چه قاطع تر علیه آشوبگران و بازپچه های دست ضد انقلاب عمل نماید.

## شعار «زنده باد شاه» تبدیل به شعار «مرگ بر کمونیست» شد

بسیاری از کسانی که در جریان تظاهرات گروه های مختلف علیه دخالت آمریکا در امور داخلی ایران شرکت داشته اند، شاهد چند کامیون روبا ز بوده اند که فریاد کنندگان «زنده باد شاه» را حمل می کرده است و مقصدش قلب تظاهرات و حوالی سفارت آمریکا بوده است. این واقعه را نه تنها عدای از تظاهر کنندگان هواداران حزب توده ایران شاهد بوده اند، بلکه از سوی برخی خبرنگارانی ها نیز مخابره شده است. این خبر وقتی عجیب تر و قابل توجه تر است که بدانید همین فریاد کنندگان «زنده باد شاه» بعد از رسیدن به قلب تظاهرات، با شعار «مرگ بر کمونیست» به طرف تظاهر کنندگان حمله ور شده و دست به چاقو و چماق برده اند، که نتیجه اش تعدادی مجروح و مسدوم بوده است.

تعداد این افراد آنقدر کم بوده است که بزودی در امواج خروشان مردم خشمگین حل شده اند و صدها نظاره گر تظاهرات نیز، که ظاهرا عازم محل تظاهرات حزب جمهوری اسلامی و دیگر سازمانها بوده اند، نیز در پی شناسائی و دستگیری آنها برآمده و خود را از پیاده رو به خیابان رسانده اند و اعلام داشته اند که اینها ساواکی اند، مسلمان نیستند. مسلمان به کسی حمله نمی کند، کسی را چاقو نمی زند. اینها ضد انقلابید.

این خبر برای آنهایی باید قابل توجه باشد که با ایجاد فضای ضد کمونیستی، با تمام صداقتی که ممکنست داشته باشند، دارند سرود یاد مستان می دهند و شمیر را در کف زندگی مست می گذارند. می بینید که ضد انقلاب واقعی، ابتدا با استفاده از فضای مناسب با لباس ضدیت با مارکسیسم و مبارزه با کمونیست ها به میدان می آید همچنان که بارها در ایران و دیگر کشورها آمده است، و بعد که کار سرکوب این نیروها تمام شد، به دیگر نیروها نیز رحم نمی کند و همه را باید چوب می راند، تا زمینه را برای تسلط ارتجاع و استعمار آماده کند.

بقیه در صفحه ۲

از فرصت استفاده کرده بهمه دوستان «مردم» توصیه می کنیم، از کیوسک ها و روزنامه فروشان در هر شهر و محله و خیابانی بخواهند «مردم» را تفروشی کنند

نامه م. ه. ه. در باره تعیین تکلیف بانگها رسید. در نامه پیرامون جلسه جمعیت به کاران وام مسکن و این که جمع بهره و کارمزد وام مسکن بیش از ۱۷٪ است. مطالبی نوشته شده و ثابت می شود که وام گیرندگان در معرض استثمار شدید قرار دارند و خواسته شده

است که در مورد رفع ظلم و ستم شدید بر میلیون ها نفر از مردم ایران به توسط بانگها اقدام انقلابی قاطع بعمل آید. در نامه گفته شده است که عدای خواهان ملی کردن کامل بانگها و رفع استثمار بانگهای وابسته و نیمه وابسته بودند می گفتند مسئولان دولتی باین بهانه که کم کردن بهره بانگی باعث فرار سرمایه می شود. از انجام عمل قاطع طفره می روند. در حالی که این روش بحران اقتصادی را تشدید می کند و به انقلاب لطمه میزند. دوست عزیز با زهم برای ما نامه به نویسید.



# اخبار کارگری

## تحصین نمایندگان کارگران از مغان

در حدود یکصد تن از کارگران و کارمندان شرکت‌های زراعی منحل شده منطقه مغان از صبح چهارشنبه گذشته، در سالن اداره مخابرات مغان متحصن شدند. آنها اعلام کردند که نماینده ۱۲۰۰ کارگر و کارمند معترض و بیگانه شده‌اند. تحصین کنندگان گفتند: از ماه پیش ما بلا تکلیف به حال خود رها شده‌ایم. نهدیناری حقوق دریافت داشته‌ایم و نه به تقاضای مکررمان در مورد روشن کردن تکلیفمان توجهی شده است. پس از مراجعه به وزیر کشاورزی با مقول دادند که هیاتی برای بررسی و چاره جوئی متکلمان به محل اعزام خواهد شد، اما این قول را هم پشت گوش انداختند. ما از نظر معیشتی و اداره مایحتاج روزانه خانواده خود در موقعیت بسیار دشواری هستیم و چاره‌ای نداریم که آنقدر به تحصین و اعتراض خود ادامه دهیم تا به خواسته‌هایمان توجه شود.

## قطعنامه کارگران زن کارخانه آذر الکتریک

گروهی از کارگران زن کارخانه آذر الکتریک طی قطعنامه‌ای به رفتار ضد کارگری در این کارخانه شدت اعتراض کردند. در این قطعنامه آمده است: در کارخانه ما ۲۳ کارگر کار می‌کنند که ۱۶ نفر زن هستند و دستمزد روزانه - شان ۲۰ تومان است. قبل از عید کار - فرما به این بهانه که تولید کارخانه بفروش نرسد، تاکید کرده که نمیتوانیم دستمزدتان را اضافه کنیم و اکنون که همه قسمتهای کارخانه دو باره دایر شده است، از تاریخ ۱۵ فروردین ماه گذشته، باین دستاویز که کارخانه مواد اولیه ندارد و ورشکست شده است، نمیگذارند که به سر کار برویم. مسئولان میگویند تا دو ماه دیگر که کارخانه باز میشود، باید صبر کنیم.

کارگران زن پس خواسته‌های خود را به این شرح اعلام کرده‌اند:

- پایان دادن به بیگاری
- افزایش دستمزد متناسب با افزایش هزینه زندگی
- بیمه کردن تمام کارگران
- دادن حق مسکن به کلیه کارگران
- پرداخت سود ویژه به کارگران
- پرداخت کلیه پول‌هایی که قرار بود بعد از اتمام کار آموزشی به کارگران داده شود.

دادن ناهار رایگان به کارگران  
- رسمی شدن کلیه کارگران  
- دادن مرخصی به کارگران، بدون کسر مزد کارگران مطابق قانون کار  
- بدنبال انتشار قطعنامه کارگران زن آذر الکتریک کمیته زنان ماشین‌سازی تبریز با انتشار یک بیانیه، از خواسته‌های همکاران خود در کارخانه آذر الکتریک پشتیبانی کرد  
زنان کارگر از برادران کارگر خود خواستند تا از مطالبات برحق کارگران معترض حمایت کنند

## اجتماع رانندگان و کمک رانندگان در خانه کارگر

رانندگان و کمک رانندگان ماشین‌های سنگین، چهارشنبه گذشته، در اجتماعي خواستار نظارت بر امور حمل و نقل محمولات وارداتی و صادراتی کشور شدند. در این اجتماع، که در محل خانه کارگر برگزار شد، اعضای سندیکای رانندگان و کمک رانندگان ماشینهای سنگین، طی قطعنامه‌ای بیمه خویش را در برابر حوادث و بیماریها تقاضا کردند. در این قطعنامه خواسته شده است که کامیون‌ها و تریلی‌های چپاولگران رژیم آریامهری، در مقابل اقساط عادلانه و بدون پیش قسط در اختیار رانندگان گذاشته شود.

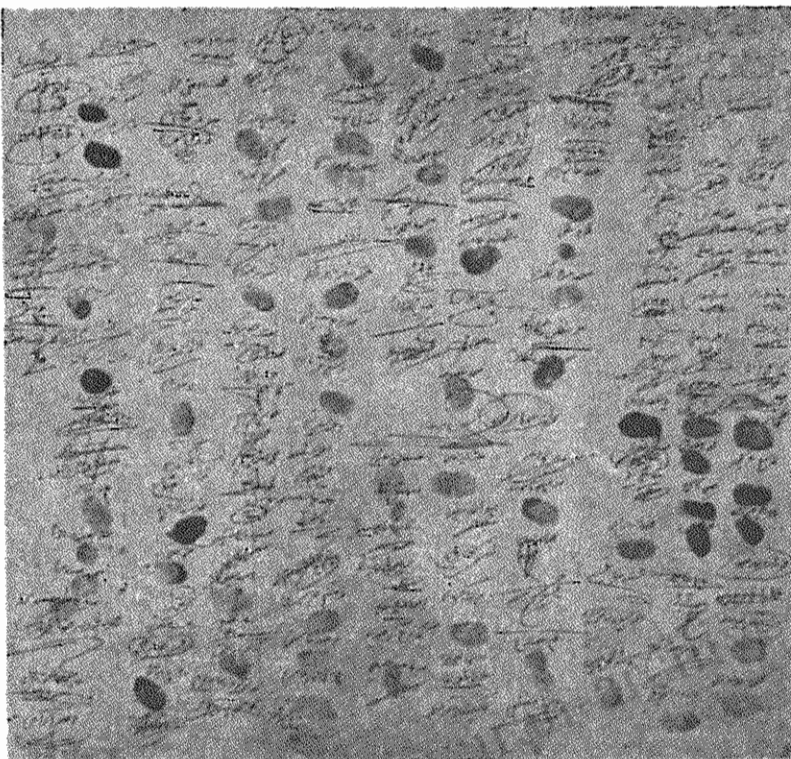
# اخبار دهقانی

## خواسته‌های حقه دهقانان لشت نشاء

نامه‌ای از دهقانان لشت نشاء و سایر قراء تابعه شهرستان رشت برای آقای مهندس بازرگان فرستاده شده است. در زیر متن تقاضاهای این زحمتکشان وهم چنین کلیشه صدها امضاء و اثر انگشت (بعلت نداشتن سواد)، همراه آنرا که برای روزنامه «مردم» ارسال شده چاپ میکنیم:

«جناب آقای بازرگان نخست‌وزیر ایران محترم! اینجانبان امضاء کنندگان زیر دهقانان بخش لشت نشاء و قراء زیباکنار - توده - چونچنان از توابع شهرستان رشت خواسته‌های خود را بشرح زیر اعلام میداریم:

- ۱- تقاضا داریم به علت وضع بد مادی دهقانان همه بدیهیاً به بانکها و رباخواران لغو شود.
- ۲- تقاضا داریم بذر و کود و ماشینهای کشاورزی و داروری علف کش با قیمت نازل در اختیار کشاورزان قرار گیرد.
- ۳- خواهان تثبیت قیمت فرآورده‌های کشاورزی هستیم.
- ۴- خواهان افزایش مبلغ وام کشاورزی به دهقانان و لغو بهره آن میباشیم.
- ۵- خواهان کمک و توجه دولت جهت تأمین برق و آب و بهداشت واحداث درمانگاه و مدرسه و جاده هستیم.



۶- تقاضا داریم در تقسیم اراضی به نفع کشاورزان تجدید نظر بعمل آید. «مردم» - الفای کلیه بدیهیاً در این وادیای مشکلات عدیده، یک خواست کاملاً برحق کلیه دهقانان زحمتکش است. اگر واقعاً خواستار احیای کشاورزی و تشویق دهقانان به کشت هستیم باید این مانع بزرگ را حتماً از پیش پای آنان برداریم.

تثبیت قیمت فرآورده‌های کشاورزی، دادن بذر و کود و سایر تسهیلات تولیدی و رفاهی نیز از مسائل مهم دهقانانست، که روستائیان لشت نشاء ما را به اصل موضوع میرساند که همانا انجام یک اصلاحات ارضی واقعی و بنیادی بود دهقانان زحمتکش و دادن اراضی زراعی به خود زارعین و کوتاه کردن دست غارتگران و زمینداران بزرگ است. خواسته‌های حقه دهقانان لشت نشاء باید برآورده شود. اتحاد و حق طلبی آنها ضامن پیروزیشان است.

## بقیه از صفحه ۴

## گفتگویی با چریکهای فدائی ...

جمله رهبران حزب توده ایران، بان نخستین صدای تیر حضرات در ۲۸ مرداد، از کشور فرار نکردند. مهاجرت عده‌ای از رهبران حزب، بطور عمده پیش از ۲۸ مرداد، و بنابر مصلحت‌های سیاسی انجام گرفت و نه از ترس. پس از ۲۸ مرداد فقط ۵۵ نفر از اعضای کمیته مرکزی حزب به مهاجرت سیاسی پیوستند، آنهم نه فردای ۲۸ مرداد، بلکه ۳ سال پس از آن و ۸ سال پس از مبارزه دشوار در شرایط پنهانی و زندان و چندین بار فرار از دست دشمن. پس از ۲۸ مرداد، حزب ما عده‌ای از افسران سازمان نظامی و عده‌ای از کادرهای حزبی را، که موافق قوانین آن روزهای بسیار سنگینی داشتند و نگاهداری آنان در داخل کشور برای سازمانهای حزب دشوار بود، از کشور خارج کرد. آیا میتوان انقلابی بود و از بازگشت اینان به میهن ابراز ناراحتی کرد؟

متأسفانه، برخلاف آنچه بشما گفته‌اند و شما بدون مطالعه و پرس و جو پذیرفته‌اید، هنوز اکثریت مهاجرین سیاسی توده‌ای به ایران بازنگشته‌اند. دولت موقت آقای بازرگان به هزاران مبارز توده‌ای (و بقول شما پیروپاتالهای مهاجر) گذرنامه نمیدهد (کسی چه میداند؟ شاید دولت موقت مراقب آنست که مبادا اینان بیایند، «تسلیم طلبی» کنند و به امر طبقه کارگريان برسانند)

بهر صورت، از انبوه مبارزان توده‌ای، که هم اکنون در سراسر کشور، شبانه روز به بازسازی سازمانهای حزب و گسترش جنبش انقلابی مشغولند فقط حدود ده نفر از آنها پناهنده سیاسی بوده‌اند که از خارج کشور برگشته‌اند. بقیه آنان توده‌ای‌های با سابقه‌ای هستند، که به اندازه عمر بسیاری از شماها، در زندان و تبعید مانده‌اند و یاجوانان مبارز توده‌ای هستند، که در شرایط ترور و خفقان - زمانیکه عده‌ای چشم بسته دنبال مارکوزه و ماژود بره میرفتند - از مارکسیسم - لنینیسم دفاع کردند. دوستان عزیز! جنبش کارگری ایران را از دشمنانش نیا موزید! این تاریخ، تاریخ خود شماست (اگر واقعاً در جستجوی مارکسیسم، لنینیسم باشید). قبل از شما، در جامعه ایران خلاص نبود، مبارزه بود، نبرد بود، کار عظیم انقلابی و سازندگی بود. امروز هم پیرامون شما خلاص نیست.

۱- اعلامیه سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران ۲۱-۲-۱۳۵۸، تحت عنوان «گرمی باد خاطره رفیق شهید خسرو روزبه»  
۲- همان اعلامیه

## بقیه از صفحه ۱

## نامه سرگشاده...

حزب توده ایران میگذرد، حزب ما برای پیدا کردن پاسخی به این پرسشها تلاش فراوانی بکار برده، ولی متأسفانه این پرسشها همچنان بدون پاسخ مانده است. از اینجاست که، از دولت موقت و دادگاه انقلاب، که مسئولیت و امکانات بیشتری در این زمینه دارند، برای پاسخ دادن به این پرسشها یاری می‌طلبیم.

آنچه مسلم است اینست که رفقا سرگرد حسن رزمی و مهندس محمد حسین معصوم زاده، آنچنانکه شایسته یک توده‌ای است، تا پای جان به آرمانهای والای میهن پرستانه و آزادیخواهان حزب خویش وفادار مانده‌اند. حزب ما این رفقا را در فهرست بس طولانی و افتخار آفرین شهیدان قهرمان خود، که شهیدان همه خلق در نبرد ضد امپریالیستی و ضد استبداد سلطنتی هستند، بجای داده است. همه توده‌ایها بخود می‌بالند که در دامان حزبشان، فرزندان چینی قهرمان و از خود گذشته پرورش یافته‌اند، که بهیچ بهائی داغ بنک همکاری با رژیم شاه مخلوع و تسلیم را نپذیرفته و با ایثار جان خود، استقامت و امیدواری توده‌ای‌ها را بار دیگر ثابت کرده‌اند. خاطره تابناک رفقا رزمی و معصوم زاده جاودان باد!

این را هم نباید دانست که هر شهیدی، صرف نظر از عقاید خود، شهید همه خلق است. هر مبارز چنانبازی مایه افتخار همه انقلابیون راستین است. لذا ما از دولت موقت جمهوری اسلامی ایران و از دادگاه انقلاب و مقاماتی که مأمور ردیابی و کشف جنایات ساواک شاه مخلوع هستند، می‌طلبیم که به حزب ما در مورد کشف جزئیات این جنسایت و مجازات شکنجه‌گران، قاتلان و سر به نیست کنندگان، یاری دهند.

عمال ساواک و شکنجه‌گران و دژخیمان شاه‌خان را در همه سطوح افساء کنیم!  
ضد انقلاب را در همه ابعاد آن سرکوب کنیم!  
کمیته مرکزی حزب توده ایران  
۱۳۵۸/۳/۷

## بقیه از صفحه ۴

## عدالت حکم میکند

این هشت عزار عضو ساواک همگی باید ممدوم شوند. ولی مدعی آن هستیم که عناصری چنین خطرناک و خائن، که خود را در خدمت سازمانهای جاسوسی بیگانه قرار داده و ستمی چنین فجیع بر هموطنان خود روا داشته‌اند، باید بلا تأمل سرکوب شوند. عدالت آن نیست که این خائنین بی کيفر بمانند، عدالت آنست که حتماً کيفر به بینند.

شک نیست که میزان مجازات بر حسب درجه جرم است و تعیین آن در صلاحیت دادگاههای انقلاب است. اما نمیتوان تحت این عنوان، که فقط مأموران شکنجه و کشتار مجرم‌اند سایر مجرمان را مشمول عقوبت عمومی دانست. اینان عوامل مؤثر دستگاه جبار و جنایتکاری بوده‌اند که خلق ما را مرده میخواست، که آتش شعله ناک مبارزه مردم مبار را خاموش میخواست، و در این راه از هیچ جنایت و خیانتی دریغ نکرد. باید با اقدامات قاطع انقلابی همه این پیچ و مهره‌ها را از کار انداخت تا دستگاه اصلی نتواند دوباره بگردش درآید.

## قابل توجه رفقای کارگر

از رفقای کارگر عضو سابق حزب، که به آرمان خود وفادار مانده‌اند، ولی بعلل گوناگون تماس حزبی ندارند و همچنین رفقای کارگر تازه وارد خواهشمند است برای رسیدگی بوضع حزبی‌شان همه‌روزه (بغیر از روزهای پنجشنبه و جمعه) از ساعت ۵ تا ۷ بعد از ظهر به دفتر «مردم»، شعبه امور کارگری، مراجعه کنند.





# رویدادهای جهان

## تجاوز اسرائیل به بانه حملات چریکی

رویت از بیروت گزارش داد که دولت لبنان اعلام کرد که اسرائیل به عملیات تجاوزکارانه خطرناک خود از راه هوا، دریای و زمین ادامه می‌دهد و عده زیادی از غیر نظامیان لبنانی را بقتل رسانده است. توینی نماینده لبنان در سازمان ملل متحد، در نامه‌ای که به کورت والدهایم نوشت تأکید کرد که حملات چریکی در داخل اسرائیل، تجاوزات این کشور را توجیه نمی‌کند.

\* چکسلواکی و سوریه، در اعلامیه مشترکی که صادر کردند، اوضاع خاورمیانه را انفجار آمیز توصیف کردند و مؤکداً اعلام داشتند که تنها وسیله نیل به صلح در خاور میانه، توسل به یک راه حل همه‌جانبه، عادلانه و دائم است. در این اعلامیه که در پایان سفر گوستاو هوساک به سوریه انتشار یافت، تأکید شد که چکسلواکی و سوریه اعتقاد دارند که وضع انفجار آمیز کنونی خاور میانه، همبستگی اعراب را ایجاد می‌کند. هوساک و اسد مؤکداً اعلام داشتند که همه نیروهای عرب باید برای مقابله با سیاست تسلیم جویانه و یک‌جانبه رژیم مصر و خنثی کردن توطئه مشترک امپریالیسم و صهیونیسم نیروهای خود را متحد سازند. رؤسای جمهوری چکسلواکی و سوریه در این اعلامیه مشترک حملات اسرائیل را به لبنان محکوم کردند و انقلاب ایران را ستودند.

## افغانستان در راه دگرگونیهای وسیع

نور محمد ترکی رئیس شورای انقلابی افغانستان اعلام کرد که اجرای برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی و اجتماعی افغانستان دگرگونی‌های وسیعی را در همه شئون کشور پدید خواهد آورد وی تصریح کرد که این برنامه وضع مردم‌پسند و بهبودی خواهد بخشید. از طرف دیگر حفیظ امین، نخست‌وزیر افغانستان در مصاحبه‌ای گفت برنامه‌های اصلاحات ارضی در کشور وی سریعاً اجرا می‌شود.

## قبرس مرکز فعالیت جاسوسی پنتاگون

خبرگزاری تاس از نیکوزیا گزارش داد که «و. لیساریس» سیاستمدار قبرسی در پارلمان این کشور گفت که پایگاه‌های نظامی انگلیس در قبرس زیر نظارت آمریکا و پیمان اتلانتیک شمالی (نا‌تو) قرار می‌گیرد. وی تصریح کرد که هواپیماهای اکتشافی و صدها متخصص فنی نظامی آمریکا در یک پایگاه انگلیسی استقرار یافته‌اند و هم‌اکنون جمع‌کننده اطلاعات جاسوسی را بکار می‌گیرند. موضوع پایگاه‌های جاسوسی آمریکا، افزایش حضور نظامی این کشور در قبرس (در پی انقلاب ایران) از طرف پوتامی‌تس، عضو پارلمان قبرس عنوان شد. وی گفت: «بعد از انقلاب ایران، پایگاه‌های انگلیس و منطقه اشغالی قبرس در بر روی پنتاگون گشودند که این خود بر شدت بیشتر وخامت اوضاع در این جزیره می‌انجامد.»

لیساریس در پایان سخنان خود در پارلمان قبرس تأکید کرد که وجود پایگاه‌های نظامی خارجی در قبرس متضاد با آرمان صلح و موجب اخلال در استقلال و حاکمیت این جزیره است.

## کبوتران صلح مصر و جتهای جنگی اسرائیل

تاس خبرگزاری تاس در تفسیری مربوط به گفت‌وگوهای مصر و اسرائیل نوشت:

«المریش طی تشریفات همراه با رژیم فلسطینی به مصر تحویل داده شد و بدین مناسبت، به علامت استقرار صلح، صدها کبوتر سفید بسوی آسمان رها شد» تاس سپس ضمن طرح این سوال که آیا آنچه میان مصر و اسرائیل وقوع پیوست، یک صلح بود، نوشت که سرزمین کوچکی که فقط دو درصد تمام صحرای سینا مساحت دارد، در زمانی که سرزمینهای لبنان و اردوگاههای فلسطینی در معرض حملات وسیع هوایی، بمباران توپخانه و موشک‌های اسرائیل بود، در اختیار مصر قرار گرفت.

در چنین اوضاع و احوالی است که گفت‌وگوی مصر و اسرائیل با شرکت آمریکا در بر شبا شروع می‌شود. موضوع این مذاکره «اعطای یک شیب خود مختاری به فلسطینی‌ها است که در ساحل غربی رود اردن و نوار غزه زندگی می‌کنند نمایندگان سه کشور به مذاکره می‌نشینند تا سر نوشت خلق عربی فلسطین را تعیین کنند، حال آنکه نماینده این خلق در گفت‌وگو شرکت ندارد و آرمانها و مطالباتش، بالاخص قطعنامه‌های سازمان ملل متحد، اعتراضات کشور های عربی و مهمتر از همه خود فلسطینیها نادیده گرفته شده است. خبرگزاری شوریس سپس نوشت که کبوترهای صلحی که در آسمان المریش به پرواز درآمدند نمی‌توانند مانع پرواز آن دسته از جتهای جنگی اسرائیل شوند، که مأموریت دارند زنان، پسر مردان و کودکان لبنانی را آماج بمبهای خوشه‌ای و فسفری سازند.

## رژیم دست نشانده غرب در رودزیا

سازمان وحدت افریقا، دولتهای آمریکا و انگلیس را از شناسایی دولت جدید رودزیا بر حذر داشت این سازمان در اعلامیه‌ای که انتشار داد تأکید ورزید که برسمیت شناختن اهل موزوروا از طرف آمریکا و انگلیس نتایج و عواقب پیش بینی ناپذیری ددی خواهد داشت.

سازمان وحدت افریقا همچنین اعلام داشت که انتخابات اخیر رودزیا، که به پیروزی موزوروا انجامید، شرم آور است.

آسوشیته پرس در گزارشی از ابوظبی، به سخنانی که راج‌پایی وزیر خارجه هند در یک کنفرانس مطبوعاتی درباره رودزیا گفت استناد کرد. وزیر خارجه هند از اقدامات اخیر آمریکا و انگلیس در مورد لغو تحریم اقتصادی رودزیا ابراز نگرانی کرد. وی از آمریکا و انگلیس خواست که مجازات اقتصادی مقرر علیه رودزیا را لغو نکنند. راج پایی سپس ضمن اعلام این مطلب که انتخابات اخیر رودزیا غیر قانونی است از همه کشورهای جهان خواست که از هرگونه اقدامی که به رژیم دست نشانده رودزیا اعتبار بخشد امتناع ورزند.

## جهان سوسیالیسم در راه صلح و تفاهم بین‌المللی می‌کوشد

خبرگزاری تاس از پراگ گزارش داد که آلکسی کاسیکین، در ضمن دیدار دوستانه از چکسلواکی، با گوستاو هوساک دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست و رئیس جمهوری این کشور گفت‌وگو کرد از جمله موضوعاتی که مورد بحث طرفین قرار گرفت همکاری‌های سودمند میان دو کشور و هماهنگی طرحهای اقتصادی شوروی و چکسلواکی و مسائل مهم بین‌المللی بود. ملاقات بر ژنر و کارتر که در وین انجام خواهد گرفت و امضای پیمان سالت ۲ از طرف رؤسای جمهوری اتحاد شوروی و آمریکا نیز میان کاسیکین و هوساک مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

\* خبرگزاری یونایتد پرس از واشنگتن گزارش داد که مقامات آگاه در این شهر اعلام کردند که اتحاد شوروی و آمریکا احتمالاً در کنفرانس وین، که ماه

بقیه از صفحه ۱

## انقلاب وزایش...

نباشد، باردیگر میدان به دستبردهای غدارانه ضد انقلاب یعنی ارتجاع ایران و امپریالیسم جهانی می‌دهد.

از میان سه وظیفه، چنانکه گفتیم، تنها وظیفه اول، یعنی وظیفه براندازی، انجام گرفته است.

اکنون ما در مرحله یا دور دوم هستیم، که آنرا دوران گذار می‌نامیم (نه دوران نوسازی، اگرچه برخی نوسازها از همین دور آغاز می‌شود).

دور دوم، دور بسیار حساسی است. این دوران، دوران «دردهای پررنج‌زایش» است. نبرد درونی نیروهایی که در دور اول باهم متحد بودند، میتواند به ضد انقلاب، که کمین کرده است، فرصت بدهد تا سراپای جنبش انقلابی را باناکامی روبرو کند.

درست در این دور است که باید نهایت درجه دقت و احتیاط بعمل آید.

البته این دوران دوم، دوران گذار، دوران لایه‌بندی و نبرد نیروها برای تعیین خط سیر آتی انقلاب، دوران «که بر که چیره می‌شود» یک دوره و مرحله ضروری ناگزیر هر انقلابی است. در این دوره نیروهای انقلابی باید وظایف خود را به‌گونه‌ای انجام دهند،

۱- از انقلاب وسیع آتی آن و دوستان پی‌گیر و یاران نیمه راهش تصور روشنی کسب کنند؛ آنگاه در وقایع جاری غرق نشوند، که دورنما را فراموش کنند. آنگاه، بگفته‌لین، در تماشای درخت محو نگردند، که تمام جنگل را نبینند. طوری عمل نکنند که نادانسته آلت دست ضدانقلاب شوند. خصلت نیروها، متحدین واقعی خود را تشخیص دهند. دوست و دشمن را بازشناسند.

۲- تمام مساعی خود را برای «همبودگی نیروها»، حفظ وحدت عمل در عین مبارزه ضروری، همراه با کوشش برای رسیدن به توافق در مورد وظایف جاری، بکار برند. از سیاست تفرقه و تشتت خصمانه، که بهترین کمک به ضد انقلاب سرکوب شده است، بپرهیزند. تصور نکنند کار تمام شده و دشمن (که دارای سازو بزرگ جهانی و اعمال داخلی وسیعی است) دیگر بی‌خطر است؛ چنین گمراهی‌های وحشت‌آوری را تاریخ نخواهد بخشید. تاریخ نه فقط تبه‌کاران ضد اجتماعی را مجازات می‌کند، تاریخ پندار با فغان‌گره و گمراه را که خیره سرانه فرصت‌های عالی را از دست می‌دهند و در ذهنیات و وهمیات خویش غوطه می‌زنند و افق‌ها را نمی‌بینند، نیز بسختی مجازات می‌کند.

۳- کوشش وسیعی بکار برند تا بر اساس وسیع‌ترین توافق نیروهای انقلابی، برنامه نوسازی جامعه روشن شود، تا انتقال به مرحله سوم و اجراء وظایف مرحله سوم دشوار نباشد. بهترین شیوه در این کار، چنانکه حزب ما بارها و مکررانه تکرار کرده است، مشورت جمعی است، نه آنکه گروه انقلابی معین بکوشد تا انحصار یافته و تئوریک خود را برقرار کند. اینکار، در طول مدت، بناگزیب موجب رسیدگی دیگر نیروها میشود و بعلاوه، آن پلاتفرم و زمینه عمل را که بتواند

کارا و مؤثر و ثمر بخش باشد، بوجود نخواهد آورد.

چنین است وظایف سه‌گانه مرحله فوق‌العاده حساس و فوق‌العاده خطرناک گذار، دوران دردهای مخوف زایش، دوران کمین و انتظار و امید ضدانقلاب، دوران سردرگمی نیروهای نخواستار، دوران غرگی‌ها و پندارها، دوران مختل شدن وحدتی که در مرحله اول انقلاب بود، دوران استغراق در مبارزاتی، که از سوئی ناگزیر است و از سوئی اگر جنبه مطلق شده و خصمانه و خسرند کننده پیدا کند، موجب تضعیف تمام انقلاب و لذا شکست آن میشود.

اگر این دوران مشکل‌دوم را، که ما آنرا دوران گذار می‌نامیم، با موفقیت بگذرانیم، گام در دوران سوم، دوران زایش نظام نو و تثبیت نوین می‌گذاریم. مسلماً آن دوران نیز چنانکه تصریح کرده‌ایم، متضمن دشواریها و بغرنجیهای بیشماری است، ولی چون انقلاب دوم مرحله راپشت‌ساز داشته، لذا اعتماد بنفش و تجربه معین برای پیشروی کسب کرده است. بویژه اگر دوران نوسازی به پلاتفرم متفق همه با اکثر نیروهای انقلابی متکی باشد، آنگاه کار خود را هم در نبرد علیه ضد انقلاب، هم در نبرد برای نوسازی، با سهولت نسبی بیشتری پیش می‌برد.

یکی از مشکلات انقلاب ایران آنست که نیروهای شرکت‌کننده در این انقلاب، به بررسی قوانین عام آن، توجه کافی ندارند و در بحث‌های تجربی و یادار وقایع روزمره غرقند. وقایع روز مره - بویژه برخی از آنها - مسلماً مهم هستند و باید بدانها توجه کرد، زیرا در آنها خود این قانونمندیهای کلی اجتماعی بازتاب دارد. در جریان یک مبارزه جوشان و خروشان، نمی‌توان و نباید از بررسی امور عینی و مشخص روز، امور واقع، غافل ماند. ولی آیا باید باین یا آن واقعه، به گفتارها و کردارها جداگانه بسنده کرد؟ نه!

انقلاب به ادراک تئوریک و جامع‌خود نیازمند است؛ برای آنکه انقلابی بتواند راه یابی کند، افق وسیع داشته باشد، راه را از جباه، دوست را از دشمن تشخیص دهد، در دام نیفتد، غافلگیر نشود و غیره، باین جمع‌بندی و ترابندی علمی و تئوریک نیاز وافر دارد.

با آنکه اصول تئوری انقلاب را میتوان در کتب کلاسیک‌ها یافت، ولی این اندازه کافی نیست. هر انقلابی چنانکه خود کلاسیک‌های مارکسیسم - لنینیسم گفته‌اند، انبوه عظیمی مسائل نو و خود ویژه ایجاد می‌کند، که باید توانست در پر تو اسلوب درست تفکر، این انبوه عظیم مسائل نو و خود ویژه را در معرض گوارش و ادراک علمی قرارداد. همانطور که غرق شدن در رویدادها و واقعات جاری و ندیدن سیر کلی خطرناک است، چسبیدن به احکام مجرد کتابی و ندانستن قدرت انطباق و کاربرد آنها در شرایط مشخص، کمتر خطرناک نیست. ما به تئوری انطباقی، که واقعیت تاریخی و اجتماعی ما را بدرستی منعکس کند و قانونمندیهای آنرا بیرون کشد و وظایف ما را بر اساس این قانونمندی‌ها روشن ساز، نیازمندیم.

تئورسین‌های بزرگ انقلابی با تنها اسلوبی را می‌آموزند که ما، بکمک

آینده تشکیل خواهد شد، درباره اعضای پیمان مربوط به تحریم مآواره‌های قاتل گفت‌وگو خواهند کرد. طرفین به انتقاد این پیمان ابراز علاقه کرده‌اند. و در سه کنفرانس پیشین نیز که در وین تشکیل یافته، پیشرفت‌هایی در این زمینه حاصل شده است. مآواره‌های قاتل از نوع مآواره‌هایی است که قادر است مآواره‌های دشمن را در فضا معدوم سازد.

## کارتر از رقابت صلح‌آمیز سخن می‌گوید

از طرف دیگر به گزارش، خبرگزاری شوروی، جمعی کارتر اعلام کرده است که وی تردیدی ندارد که انعقاد پیمان سالت ۲ چشم‌انداز حفظ صلح جهان را بهبودی خواهد بخشید. وی که با گروهی از شخصیت‌های اجتماعی آمریکا در کاخ سفید گفت‌وگو می‌کرد، گفت: « این پیمان به آمریکا مجال خواهد داد که با اتحاد جماهیر شوروی به رقابت صلح‌آمیز پردازد و از خطر جنگ هسته‌ای بکاهد.»

رئیس جمهوری آمریکا سپس ابراز اطمینان کرد که اعضای پیمان سالت ۲ به اعمال نظارت جدی تر بر گسترش و کاربرد سلاح‌های جهان خواهد انجامید و بر امنیت آمریکا خواهد افزود

آن، باید بتوانیم. این «هزاردرده» مخوف و پرپیچ و خم وقایع راه جوئی کنیم. باید در زمینه این راه جوئی دشوار از خود لیاقت فکری و عملی نشان داد.

توجه به مراحل سه‌گانه انقلاب ایران، تشخیص آنها از هم، تعیین وظایف هر مرحله یا دوره و عمل به وظایف و قوانین ویژه این مرحله دارای اهمیت حیاتی است. ماهمه نیز و‌های صادقانه انقلابی را باین نکته توجه می‌دهیم.

بقیه از صفحه ۱

## نقش انقلابی...

اما متأسفانه باید گفت که خراب‌کاری و کارشکنی ضدانقلاب راست و شعارهای فریبنده و توخالی چپ‌نماها موجب شده است که در برخی از تأسیسات صنعتی، کم‌کاری و متوقف ساختن کار ادامه یابد.

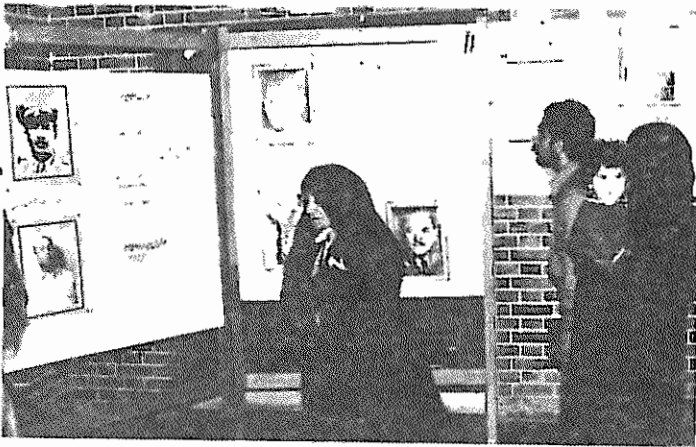
چنانکه کار را یاد آور شده‌ایم، کارگران مسائل و معضلات قانونی و مشروعی دارند که دولت وظیفه دارد با تفاهم کامل با این مسائل بر خود کند و به حل صحیح و فوری آنها اقدام نماید مشکلاتی که کارفرمایان آگاهانه بر سر راه کارگران پدید می‌آورند و از آن جمله پائین نگاه داشتن سطح دستمزد، اخلال در کار تشکیل سندیکاهای کارگری، بی توجهی به شرایط کار کارگران، جلوگیری از دخالت کارگران در امور کارخانه و غیره، چیزی نیست که حل آن از عهد دولت خارج باشد. دولت وظیفه دارد که با دخالت مستقیم خود، بحل این قبیل مشکلات کارگران اقدام نماید و شرایط ادامه کار کارگران را فراهم سازد کارگران نیز با ایجاد سندیکاهای اتحادیه‌های کارگری واقعی باید بتوانند به مبارزه سازمان یافته برای حقوق صنفی خود و علیه استثمار و تعدی و اجحاف کارفرمایان دست‌زنند، بی آنکه لازمه چنین مبارزه‌ای کم‌کاری و با تطویل کارخانه باشد.

تبلیغ شعارهایی نظیر، ادامه کار کمک به استثمارگر است و غیره و غیره، عملاً چیزی جز کمک به دشمنان انقلاب نیست. دشمنان خارجی و داخلی انقلاب یعنی امپریالیسم غارتگر، سازمان‌های جاسوسی وابسته بان، عناصر وابسته به رژیم و ساواکیهای جنس‌پتکار همه و همه می‌خواهند که چرخ صنعت و کشاورزی و سایر رشته‌های اقتصاد فلج شود. و شمار بیکاران افزایش یابد، تولید داخلی را کدبمانند، عرضه کالا بازار کم‌و‌کمتر شود، بهای کالاهای صنعتی و کشاورزی بیشتر و بیشتر ترقی کند، مردم ناراضی شوند و بر بنیان این نارضایتی، ضد انقلاب وارد عمل گردد و بحیال خووع اوضاع را بسود خود بحال اول بازگرداند. در این دام چندلایه دشمنان انقلاب نباید گرفتار آمد، هشجاری انقلابی حکم می‌کند که ضد انقلاب در هر لباسی، خواه در لباس کارفرمای اخلالگر و خواه در جامه انقلابی چپ‌نما شناخته و شناسانده شود. مصالح انقلاب ایجاب می‌کند که از هر عملی که به اهداف دشمنان انقلاب کمک کند، جداً پرهیز شود و از هیچ تلاشی برای به پیش‌راندن انقلاب و حفظ دستاورد های آن دریغ نکردد. وظیفه طبقه کارگر مبارز است که در عین مبارزه برای تحقق مطالبات صنفی و سیاسی خود، با تمام نیرو و برای بگردش در آوردن چرخ اقتصاد کشور بکوشد.

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فعلاً هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود  
نشانی:  
خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸،  
تلفن:  
۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

# مردم حق شناس ما یاد شهیدان را گرامی میدارند

## نمایشگاه بیاد شهیدان راه آزادی و استقلال ایران هر روز با استقبال گرمتری از جانب مردم روبرو میشود



### صحنه‌ای از نمایشگاه بیاد شهیدان راه آزادی و استقلال ایران

بخون خفته را گرامی داشته است. «یک مسلمان» نوشته است: «بوستان پر گل خلق ایران را دیدم. امیدوارم کلی در این بوستان باشم. سرانجام پیروزی با خلق است. جاودان باد حزب توده ایران.» کودکی نوشته است: «هن که یک پس بچه هستم، افتخار میکنم که یک چنین حزبی را قبول کرده‌ام. درود بر شهیدان: راه آزادی خلق.»

ناشناسی نوشته است: «در تمام مدتی که در نمایشگاه بودم، اشک و لبخند لحظه‌ای از هم جدا نمیشد و همراهم بود.»

ناشناس دیگری نوشته است: «ابتدا بنفش گلویی را فشردم، اما بعد شاد شدم و با خود گفتم درود بیکران و بی پایان به حزب پرافتخار و پر عظمت آنان، حزب تود ایران.»

در نمایشگاه بیاد شهیدان راه آزادی و استقلال ایران، که بعثت استقبال کم نظیر مردم، زمان آن تا ۱۵ خردادماه تمدید شده است، صحنه‌های هیجان انگیزی بچشم میخورد. درسکوت احترام آمیزی که در نمایشگاه حکمفرماست، چهره‌ها، که گاه از اشک پوشیده است و گاه لبخند غرور بر آنها نقش بسته است، و گاه هر دورا با هم دارد، بی‌انگیزه است. بازتابی از آنچه که در مغز و دل بینندگان میگذرد، در دفتر نمایشگاه نیز دیده میشود.

مادری نوشته است: «من به عنوان یک مادر، به تمام شهدای حزب توده درود میفرستم و بشما جوانان دعا میکنم، خدایار شما باشد.»

یک راننده تاکسی نوشته است: «از حزب توده ایران سپاسگزارم که یاد شهدای

اکنون دیگر احدی تردید ندارد که صنایع پتروشیمی، بمنابه یکی از رشته‌های اساسی صنایع سنگین، نقش تعیین کننده در گذار به سطح عالی رشد اقتصادی دارد. نفت و کار پتروشیمی میتواند پایه رشد صنایع گسترده برای تولید انواع لاستیک، الیاف مصنوعی، مصالح ساختمانی، داروهای گوناگون و صدها نوع دیگر محصولات باشد، که مورد نیاز بازار داخلی و خارجی است. علاوه بر این صنایع پتروشیمی اهمیت ویژه‌ای برای کشاورزی و رشکست ایران از لحاظ تولید کود شیمیایی، مواد سمی مورد لزوم در مبارزه با آفات نباتی، تهیه مواد غذایی برای رشد دامداری و غیره دارد.

اهمیت نفت و گاز برای رشد صنایع در گذشته نیز روشن بود. ولی انحصارهای جهان غرب و هندستان خیانت پیشه ایرانی آنها بزرگترین سد راه ایجاد اینگونه صنایع در کشور ما بودند. خسارت جبران ناپذیری که رژیم ضد ملی مخلوع به میهن ما وارد ساخته، وقتی برجسته خواهد شد که خاطر نشان سازیم که طبق برآوردی، اگر ایران میتواند بموقع خود صنایع پتروشیمی را تا درجه‌ای رشد دهد که قادر میبود امروز حتی ۱۰ درصد نفت خام تولیدی در کشور را به فرآورده‌های پتروشیمی تبدیل کند، درآ صورت دولت میتواند از فروش آنها در بازار جهانی دوبار بیشتر از درآمدی که از فروش ۹۰ درصد بقیه نفت خام بدست میآورد، سود کسب کند. ولی هم اکنون درآمد ایران از محل صنایع موجود پتروشیمی از ۳۰۰ میلیون دلار در سال تجاوز نمیکند. تازه سرمایه انحصاری خارجی در این رشته محدود از صنایع هم عمیقاً رسوخ کرده است.

نفت ایران میتواند و باید ضامن استقلال اقتصادی و پیشرفت اقتصادی ما باشد. همین ما دوران بشراری را میگذرانیم. اقتصاد ملی در سایه خیانت سرمایه‌داران رژیم مخلوع ناهم‌آهنگ، ناموزون، نابرابر، پرتضاد، دردناک و تاسف‌آور است. سیطره امپریالیسم و غارتگری طبقات حاکم در گذشته، شرایط توانفرسائی برای زندگی مردم، بویژه زحمتکشان پدید آورده است. در این میان سیاست نو استعماری دول امپریالیستی و هندستان محلی آنها، امروز هم مانند دیروز، متوجه مسخ ساختن هر چه بیشتر روند تکامل مستقلانه و سالم اقتصادی است، و این بزرگترین خطری است که اقتصاد ورشکسته ما را تهدید میکند. امپریالیسم و حامیان ایرانی آن امروز هم مانند دیروز میکوشند و خواهند کوشید که از کلیه شیوه‌ها و اسالیب قدیم و جدید استتاری تو- استعمار در بهره‌کشی کشور ما و استقرار سیطره اقتصادی و سیاسی به مقیاس وسیع استفاده کنند و بدینسان انقلاب را از مسیر اصلی منحرف و از تحولات بنیادی در جامعه جلوگیری بعمل آورند.

بحران عمیق و ریشه‌داری که تحت تاثیر مستقیم تغییر تناسب نیروها در صحنه بین‌المللی دامنگیر استراتژی نو استعمار امپریالیسم گردیده و شرایط پیروزی انقلاب خلقهای میهن ما را فراهم آورد، زمینه مساعد و مناسبی برای تشدید مبارزه ضد امپریالیستی در جهت ریشه کن ساختن نفوذ اقتصادی و نظامی امپریالیسم بوجود آورده است. وظیفه دولت جمهوری اسلامی است که از این امکانات برای نیل به استقلال اقتصادی حداکثر استفاده را بکند. صنایع نفت عمده‌ترین عرصه‌ایست که میتواند در دستیابی به استقلال اقتصادی نقش مهمی ایفاء کند.

# نفت ایران میتواند و باید ضامن استقلال اقتصادی و پیشرفت اقتصادی ما باشد

بین‌المللی سرمایه‌داری، تامین سوخت ارزان قیمت برای رشد صنایع کشورهای امپریالیستی بعهده ایران و کشورهای نظیر آن گذارده شده بود. بی‌سبب نبود که انحصارهای حاکم بر منابع نفت ایران، سالیان دراز از احداث و گسترش صنایع مشتق از نفت و از آنهمه پالایشگاههایی که بتواند بخش عمده نفت خام را در داخل کشور تصفیه کند، جلوگیری بعمل میآوردند. در نتیجه این سیاست نو استعماری امپریالیسم نفتخوار، با وجود اینکه ایران حدود ۱۰ درصد نفت خام جهان سرمایه‌داری را تولید میکند، سهم آن در تصفیه و تولید فرآورده‌های نفتی از ۰/۶ درصد تجاوز نمیکند. در گزارش شرکت ملی نفت گفته میشود که، در اردیبهشت ۱۳۵۸، از ۱۴ میلیون بشکه نفت خام تولید شده در روز، فقط ۷۶۰ هزار بشکه ویا اندکی بیش از ۱۸ درصد آن تحویل پالایشگاههای آبادان، تهران، شیراز، تبریز و کرمانشاه گردیده و ۳۴ میلیون بشکه و یا ۸۲ درصد آن، روزانه بشکل خام از ایران خارج گردیده است. صدور نفت خام، که محصول سیاست ضد ملی رژیم نکت‌بار سابق است، نه تنها انتقال بخشی قابل ملاحظه‌ای از درآمد ملی به گاروسندو قهای انحصارهای نفتی است، بلکه در عین حال به معنی تشدید وابستگی ایران به بازار نفت جهانی و با لمال به انحصارهای حاکم بر این بازار است.

برای پیشرفت صنعت نفت ایران برنامه کوتاه مدت و دراز مدت لازم است. مسئله بس‌مهم آگاهی از برنامه‌های کوتاه و دراز مدت شرکت ملی نفت نیز از همین واقعیات انکار ناپذیر ناشی میشود. مردم ایران باید بدانند که سیاست دولت در زمینه دستیابی به بازار نفت (بدون دخالت انحصارهای نفتی) در مرحله مشخص کنونی چیست؟ باید خاطر نشان ساخت که بحران انرژی و تشدید آن، صرف نظر از عوامل مؤثر در برور آن، تغییرات محسوسی به مع کشورهای تولید کننده در بازار نفت بوجود آورده است. تضعیف نسبی موضع انحصارهای نفتی اعضای کاتل بین‌المللی نفت در بازار جهانی نفت، از طریق تقویت موضع شرکتهای نفتی «مستقل»، و همچنین نقش مؤثر و روز افزون کشورهای سوسیالیستی، شرایط مناسبی برای فروش مستقل نفت خام در بازار جهانی بوجود آورده است.

بدیهی است که فروش مستقل نفت خام فقط میتواند برنامه کوتاه مدت شرکت ملی نفت باشد. ما برآنیم که دولت و شرکت ملی نفت میباید از هم- اکنون برنامه دراز مدت تقلیل مستمر فروش نفت خام و افزایش تولید و فروش انواع فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی را تهیه و هر چه زودتر بموقع اجرا گذارد. درست است که نفت ماده‌ای انرژی- زاست، ولی این نیز روشن است که بیش از ۷۰ هزار محصول مورد نیاز بشر از نفت بدست میآید.

اکنون دیگر همگان بر آنند که در نتیجه خیانت رژیم دست نشانده سابق، ایران فاقد صنایع بنیادی است و تازه میباید راه صنعتی شدن را در پیش گیرد. در این زمینه نفت خام نقش به‌سزائی دارد. یکی از شرایط ضرور پیشرفت فنی و کارائی در کلیه رشته‌های صنعتی در برهه کنونی رشد علمی و فنی عبارتست از ایجاد صنایع پتروشیمی، که نفت و گاز مواد خام آنها تشکیل میدهند.

افکار عمومی باید در جریان وضع کنونی صنعت نفت ایران قرار گیرد. آخرین آمار منتشره از طرف شرکت ملی نفت ایران حاکیست که در اردیبهشت ماه ۱۳۵۸، متوسط تولید نفت خام از مناطق نفت خیز خوزستان و حوزه فلات قاره، حدود ۱۴ میلیون بشکه در روز بوده است.

این تنها اطلاع دقیقی است که پس از پیروزی انقلاب پرتوان خلقهای میهن ما و اعلام جمهوری اسلامی، از جانب مقامات مسئول شرکت ملی نفت در معرض افکار عمومی گذارده شده است. با در نظر گرفتن نقش حیاتی نفت در اقتصاد ملی جای آن بود که شرکت ملی نفت اطلاعات جامعتری درباره چگونگی روابط با انحصارهای نفتخوار اعضای کنسرسیوم بین‌المللی نفت، دهها شرکتهای نفتی بیرون از کنسرسیوم و شرکتهای عده‌یافته مقاطعه کاری خارجی فعال در صنایع نفت و همچنین سیاست کوتاه و دراز مدت نفتی ایران در اختیار مردم قرار میداد.

حدود پنج سال پیش قرارداد جدیدی بین ایران و انحصارهای نفتی به امضاء رسید که بر اساس آن، شرکت ویژه‌ای برای بهره‌برداری آتی از منابع نفت به وجود آمد. بموجب این قرارداد انحصارهای چند ملیتی نفت موفق شدند نظارت بر فروش بخش عمده نفت خام ایران در بازار جهانی را در اختیار گیرند. از سوی دیگر همین شرکت، توسط انواع کمپانیهای وابسته و غیر وابسته خارجی، امور خدمات و فنی صنایع نفت را قبضه کرده بود. آیا به این وابستگی گسترده و همه‌جانبه صنایع نفت به انحصارهای غولپیکر غرب پایان داده شده است؟ فراموش نباید کرد که کنترل اکتشاف و تولید و فروش نفت چیزی جز نظارت بر مجموعه اقتصاد ایران نیست، زیرا نفت و درآمد حاصله از آن نقش تعیین کننده در حیات اقتصادی، اجتماعی و اساسی ایران داشته و دارد. حدود ۸۰ درصد درآمد دولت و ۹۰ درصد درآمد ارزی کشور، تا یکسال و اندی پیش، به حساب فروش نفت بوده، و این روند کماکان ادامه دارد.

به سیطره انحصارهای نفتی باید بطور قطع و برای همیشه پایان داد. درآمد نفت بخشی از ارزش جدید بوجود آمده در کشور ماست، که متعلق به مردم ایران میباشد ولی سالیان دراز بخش قابل ملاحظه‌ای از آن توسط انحصارهای نفتی چند ملیتی، فقط بپایان دلیل که آنها واسطه بین تولید کننده و مصرف کننده نفت خام در سراسر جهان بودند، غارت میشد، انحصارهای نفتی اکنون هم میکوشند تا این نقش پر سود را ابقاء کنند طبق گزارش انحصارهای نفتی به سهامداران، علیرغم افزایش قیمت نفت خام، سود آنها در سه‌ماه اول سال ۱۹۷۹، برآتبیشتر از سود دوران مشابه در سال گذشته بوده است.

مردم ایران تجربه تلخی از سیطره نفتخواران جهانی بر صنایع نفت کشور دارند. اینکه ایران در حال حاضر یکی از بزرگترین کشورهای صادر کننده نفت بشکل خام (نه فرآورده‌های نفتی) است، نتیجه مستقیم سیادت انحصارهای چند ملیتی است. لزومی به یادآوری نیست که رشد سریع صنعتی در کشورهای سرمایه‌داری غرب در سه دهه اخیر و نیاز روز افزون آنها به سوخت ارزان قیمت، انگیزه اصلی توسعه سریع صنایع تولید نفت خام در ایران بود. در تقسیم نابرابر و غارتگرانه کار

## کمک مالی به حزب توده ایران يك وظیفه انقلابی است

هموطنان! رفقا و دوستان!

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پس از سی سال مبارزه در شرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی خود را آغاز کرده است. لازم به تاکید نیست که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه به‌خاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب و توسازی جامعه ما در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف از جمله به قدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمک مالی به حزب توده ایران يك وظیفه انقلابی است. فداکاری- های اعضا، هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته غرور- انگیز است. اکنون نیز ما اطمینان داریم که اعضا، هواداران، دوستان و همه کسانی که به پیروزی نهائی و قطعی انقلاب ایران صادقانه علاقه‌مندند، به حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رساند.

کمک مالی را می‌توان مستقیماً به دفتر حزب داد و یا با تلفن ۹۳۵۷۲۸، ۹۳۳۴۵۹ - آمادگی خود را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک داده خواهد شد. علاوه بر این علاقه‌مندان می‌توانند کمک مالی خود را به حساب بانکی زیرین بپردازند:

حساب بانکی به نام قتی کی‌منش و به شماره ۳۳۳۳، شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران، (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین قاضی (ایران نوین سابق).

### از کمکهای دوستان و رفقا سپاسگزاریم

- از شیراز دوستان ۱۲۰ مبلغ ۲ هزار تومان
- از شیراز دوستان ۱۷۴ مبلغ ۲ هزار تومان
- از رشت آریتا بیش از محل پس‌اندازش و برای کمک به حزب پدرش، مبلغ یک هزار تومان
- از مازندران ن. هاشمی مبلغ ۵۰۰ تومان
- و يك خانواده طرفدار حزب جمعا هفتصد تومان باین شرح:
- سیامک پرن ۴۰۰ تومان
- بابک پرن ۱۰۰ تومان
- قسه پرن ۱۰۰ تومان
- خانم پرن ۱۰۰ تومان
- ب. اضائلو ۳۰۰ تومان
- طهمورث ۵۰۰۰۰ تومان
- محمد میرداد ۵۰۰ تومان
- مزدك از کازرون ۱۰۲۰ تومان
- قائد از شیراز ۱۰۰۰ تومان
- بهروز از کرمانشاه ۱۰۰۰۰ ریال
- شمس ۳۰۰۰۰ ریال
- م. امیری ۲۰۰۰ ریال
- الف نوروزی ۱۰۰۰ ریال
- ف. ۲۱۰ امت ۵۰۰۰ ریال

# برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق





ارگان مرکزی حزب توده ایران

تک شماره ۱۰ ریال

شنبه ۱۲ خرداد ۱۳۵۸

# نامه سرگشاده

## کمیته مرکزی حزب توده ایران

به همه نیروهای علاقمند به پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی،

دموکراتیک و خلقی ایران درباره ضرورت درنگ ناپذیر اتحاد

برای مقابله با تحریکات ضد انقلاب و پیدا کردن

راه حل انقلابی مشکلات کنونی

هم میهنان عزیز!

### مبارزان راه پیروزی انقلاب ایران!

همه مردم ایران و همه مبارزان ضد امپریالیست و آزادیخواه در سراسر جهان در این ارزیابی شریکند که، انقلاب مردم ایران به پیروزی تاریخی کم نظیری در جهان فائل گردیده است. در جریان این انقلاب، همه مردم ایران، بجز اقلیت کوچکی خائن و مزدور و غارتگر، فعالانه شرکت داشتند. مردم با همبستگی و همکاری خود، یکی از محکمترین دژهای تسلط امپریالیسم و ارتجاع رادرم شکستند، ولی همانطور که امام خمینی بارها یادآور شده‌اند، وزنه اساسی این نبرد زندگی و مرگ پرروش زحمتکشان شهر و روستا و مبارزان جان پرکف انقلابی قرارداد شده است، که با نثار ده‌ها هزار قربانی، پایه‌های کاخ استبداد آمریکا - اسرائیل - شاه - ساواکرا متزلزل ساختند و با ضربۀ نهائی آنرا فرو ریختند. انقلاب پیروزمند ایران، با دستاوردهای بسیار چشمگیری که در همین دوران کوتاه داشته، توانسته است تناسب نیروها را در منطقه و در سراسر جهان، بطور محسوس بسود جنبش‌های راهی بخش ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی و ضد نژادپرستی تغییر دهد. فروری نظام جهانی استبداد سلطنتی سرنگون شده، استقرار جمهوری اسلامی، با هدفی والا که در راه تامین استقلال ملی، آزادی، بهبود شرایط زندگی زحمتکشان و پیشرفت همه جانبه اجتماعی در پیش گرفته است، از هم پاشیده شدن سازمان جنایت کار ساواک، مجازات خائنین به منافع ملی و آزادیهای فردی و اجتماعی، درهم شکسته شدن ماشین نظامی تجاوز کار امپریالیسم آمریکا، اخراج ده‌ها هزار مستشار آمریکائی که همه شریانیهای حیاتی زندگی اجتماعی ما را قبضه کرده بودند، لغو قراردادهای اسارت آور کاپیتولاسیون، سنتو، خرید میلیاردها دلار جنگ افزار و تاسیسات صنعتی غیر ضروری، بیرون کشیدن صنایع و صادرات نفت از چنگال‌های حریص و خون آلود انحصارهای نفتی امپریالیستی، بازخواندن ارتش ایران از ظفار، قطع مناسبات سیاسی با رژیم سادات خائن، امتناع فروش نفت به اسرائیل و نژاد پرستان جنوب افریقا - اینها همه دستاوردهای چشمگیر و با اهمیت انقلاب ایران در این مدت کوتاه است.

وظیفه مردم قهرمان ایرانست که از این دستاوردها با تمام نیرو پاسداری کنند، آنها را تثبیت و تحکیم نمایند و بیش از پیش در تمام زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و ملی گسترش دهند.

در عین حال نباید فراموش کنیم که انقلاب ایران یکی از دشوارترین دورانهای تحکیم و تثبیت پیروزی خود را میگذراند و بر سر این روند تحکیم و تثبیت، با دشواریهای بسیار جدی روبرو شده و میشود. از سوی دیگر ما شاهد آن هستیم که با کمال تأسف، در زمینه شناخت این دشواریها و راه‌آزمین برداشتنشان، در میان نیروهای ملی دید یگانه‌ای وجود ندارد و در نتیجه عمل متحد و پیگیری انجام نمیکرد. تردید نمیتوان داشت که با ادامه این وضع، خطرات جدی مهمترین دستاوردهای انقلاب رامورد تهدید قرار میدهد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران با احساس مسئولیت تاریخی میکوشد ارزیابی خویش را از وضع کشور در لحظه کنونی، در اختیار همه نیروهای راستین هوادار پیروزی انقلاب ایران قرار دهد و همه این نیروها را به اهمیت حیاتی و درنگ ناپذیر وحدت نظر و اتحاد عملی، علیه دشمنان رنکارنگ انقلاب فراخواند.

بنظر ما ویژگیهای لحظه کنونی در کشور چنین است که:

- عوامل گوناگون بحران در همه زمینه‌های زندگی اجتماعی شدت مییابد.
- ضد انقلاب (یعنی امپریالیسم و ارتجاع داخلی) با بهره برداری از ناپسامانیا هر روز گستاختر میگردد.
- سازشکاران، نبرد نیروهای انقلابی خلق را علیه ضدانقلاب فلج میکنند.
- تفرقه اندازان و انحصار طلبان مبارزه مردم را از سمتگیری اصلی منحرف میسازند.
- بخشهای مهمی از نیروهای راستین انقلاب ضروریات حیاتی و عمده پیروزی انقلاب را با فراموش کرده‌اند و یابدان کم بها میدهند و خود را با مسائل فرعی و درجه دوم مشغول میسازند.
- همه اینها، همراه هم، موجبات ضعف جنبش انقلابی میهن‌مارا

فراهم آورده است. تنها از راه شناخت درست ریشه‌های بحران کنونی و گره‌های عمده آن و تلاش، برای خنثی ساختن پیامدهای زیان بخش‌شان، میتوان راه تثبیت پیروزیهای انقلاب را هموار ساخت.

بنظر حزب توده ایران، پیش از آنکه به تحلیل جواب گوناگون و ویژگیهای بالا بپردازیم، ضرورت دارد روشن شود که دشمنان اصلی انقلاب ایران کیانند، هدفهایشان چیست و چه شیوه‌هایی را در لحظه کنونی برای رسیدن به این هدفها بکار میبرند. این امر از آن جهت ضرورت درجه اول دارد که در باره‌اش، متأسفانه، میان نیروهایی که خود را هوادار انقلاب ایران میدانند، اختلاف نظر عمیق وجود دارد. برای نمونه میتوان به ارزیابی‌های گوناگون برخی از اعضاء دولت موقت جمهوری اسلامی ایران، درباره دخالت گستاخانه امپریالیسم آمریکا در امور داخلی ایران، اشاره کرد که جهت گیری روشن آن، کنار گذاشتن امپریالیسم آمریکا، نه تنها بعنوان دشمن اصلی، بلکه حتی بعنوان یکی از دشمنان اصلی انقلاب ایران است. این ارزیابی‌ها، با ارزیابی اکثریت مطلق مردم ایران، با ارزیابی مکرر امام خمینی، که با شدت تمام در تظاهرات چند میلیونی روزهای اخیر در سراسر کشور بازتاب یافته است، در تضاد آشکار است. از این روست که بنظر ما مهمترین مسئله مورد توجه باید همین امر مشخص ساختن دشمنان اصلی انقلاب ایران، هدفها و شیوه‌های عمل آنها برای رسیدن باین هدفها باشد.

### دشمنان انقلاب ایران

بنظر ما دشمن اصلی انقلاب ایران امپریالیسم غارتگر جهانی، به سرکردگی امپریالیسم متجاوز آمریکا و همدستان ایرانی آنان، یعنی سرمایه داران و زمین داران بزرگ وابسته با امپریالیسم است. هر گونه تلاش برای منحرف ساختن افکار عمومی مردم انقلابی ایران از سمتگیری بدون تزلزل علیه این دشمن اصلی، چه آگاهانه باشد و چه بر پایه ارزیابی و یا شناخت نادرست از واقعیت، به زیان جبران ناپذیری برای جنبش انقلابی میهن منتهی میشود.

امپریالیسم جهانی (که امپریالیسم آمریکا در رأس آن قرار دارد) تائیش از پیروزی انقلاب کبیر آکتبر در روسیه، سراسر جهان را با چکمه‌های یخون آغشته خود لگد مال میکرد. امپریالیسم با آنکه در دوران ۶۰ ساله اخیر در قبال جنبش عظیم و جبهه نیرومند ضد امپریالیستی جهان، مواضع زیادی را از دست داده است، هنوز اساسی ارتجاع سیاه جهانی است.

امپریالیسم جهانی، یعنی انحصارهای نفتخوار، انحصارهای جهانی تولید کننده جنگ افزارها بانکهای غارتگر امپریالیستی، انحصارهای جهانی و باصطلاح مافوق ملی در همه رشته‌های صنعتی و کشاورزی و بازرگانی و ترابری و ...

این امپریالیسم جهانی، که نیرومندترین هسته آنرا امپریالیسم آمریکا تشکیل میدهد، برای برقراری تسلط جهانی خود، ابزار و جنگ افزار بسیار گوناگونی رادرا اختیار دارد و بر حسب شرایط سیاسی، زمانی جغرافیائی، ملی و غیره، این یا آن ابزار را بکار میاندازد. تجاوز آشکار با نیروهای نظامی (مانند ویت نام)، توطئه‌های کودتایی (مانند ایران - در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ - اندونزی، شیلی و دهها کشور دیگر آسیا و افریقا و آمریکای لاتین)، خریدن خائنین (مانند مصر و سودان) و تحریکات از راه استفاده از جریان‌های «سیاسی» و «مذهبی» و «ملی گرایی» خاص مانند فراماسونری، صهیونیست، بهائیکری، سازمانهای فاشیستی و سازمانهای نژاد پرست و دهها و دهها جریان سیاسی و مذهبی رنکارنگ دیگر - همه اینها ابزارهای گوناگون امپریالیسم جهانی هستند.

و در کشور ما ایران، از همان آغاز استیلای خاندان پهلوی، پایه‌های تسلط امپریالیسم جهانی گذاشته شد و، صرف نظر از دورانهای بسیار کوتاه تزلزل، هر روز این پایه‌ها مستحکم‌تر گردید. اگر این تسلط امپریالیستی در دوران پیش از جنگ دوم جهانی و سالهای اول پس از آن، با برخی رقابتها بین امپریالیستهای آمریکائی و انگلیسی و آلمانی همراه بود، پس از کودتای ۲۸ مرداد این تسلط امپریالیستی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، بطور مشترک و جمعی مستقر شد و میهن ما به غارتگاه بی بندوبار همه امپریالیستها، که صهیونیسم یکی از اجزاء متشکله آنست، بدل گردید. غارت ثروت‌های عظیم نفتی میهن ما، تحمیل میلیاردها جنگ افزار زائد و بی فائده، وادار کردن دولت دست نشانده به خرج میلیارد

ها دلار از ثروت ملی برای تدارکات نظامی استراتژیک آمریکا، صدور بی بندوبار کالاهای مصرفی گران قیمت، صدور تاسیسات صنعتی چند برابر قیمت‌های بین‌المللی، تحمیل بی تناسب صنایع موتاز بجای صنایع مادر، تبدیل ایران، بموازات اسرائیل، به دومین پایگاه تجاوز امپریالیستی برای سرکوب جنبش‌های ضد امپریالیستی در منطقه خلیج فارس و خاور نزدیک و میانه، تبدیل ایران به بزرگترین پایگاه جاسوسی و تدارکی تجاوز علیه اتحاد شوروی و سایر کشورهای ضد امپریالیست در منطقه، تحمیل دهها و دهها هزار کارشناس «نظامی» و «فنی» و «اقتصادی» و غیره، نابود کردن کشاورزی ایران و وابسته کردن تمام زندگی روزمره میهن ما به اقتصاد امپریالیستی - اینها همه و همه طبق نقشه مشترک و هماهنگ همه امپریالیستها، به سرکردگی امپریالیسم آمریکایی بوده است.

انقلاب ایران به منافع حیاتی اقتصادی و استراتژیک نظامی همه این امپریالیستها و طبقه حاکمه وابسته به آنان، ضربه سهمگین و درناکی وارد ساخت و ما شاهد آن هستیم که زوزه این گرگهای درنده زخم خورده علیه دستاوردهای انقلاب ایران در سراسر جهان طنین انداخته است و تحریکات محافل ارتجاعی وابسته با امپریالیسم در ایران هر روز دامنه دارتر میگردد.

نیروهای امپریالیستی هنوز در کشور ما پایگاه‌های نیرومندی را در اختیار دارند. این پایگاه هادردستگاه دولتی، در بازماندگان مخفی و علنی ساواک، در اقتصاد کشور و در میان گروههای وابسته به طبقات حاکمه فراری و بلندگویان «روشنفکر» نمایان‌شان است. از این پایگاهها است که جبهه متحد امپریالیستها و دریشاپیش‌شان امپریالیستهای آمریکائی و صهیونیستها و محافل ارتجاعی ایران، که در آمریکا و اروپای غربی و اسرائیل لنگر انداخته‌اند، علیه انقلاب ایران توطئه می‌کنند.

هدف این نیروهای امپریالیستی اینست که، انقلاب ایران را باشکست روبرو سازند و به این یا آن شکل، اوضاع گذشته‌را، با نقاب و یابدون نقاب، بازگردانند. وسائل و شیوه‌هایی که دشمنان انقلاب در این توطئه خطرناک بکار میبرند، همان وسائل و شیوه‌های شناخته شده توطئه‌های امپریالیستی و ارتجاعی در تاریخ طولانی مبارزات خلقها است، یعنی:

- ۱- جلوگیری از تثبیت اوضاع اقتصادی و ایجاد دشواریهای ساختگی تازه در این میدان، جلوگیری از بکار افتادن کارخانه‌ها، کارگاهها، دامن زدن به هر چه مرج اقتصادی، بالابردن قیمت‌های خواربار و وسائل مصرفی مورد احتیاج مردم.
- ۲- جلوگیری از تثبیت اوضاع اجتماعی و دامن زدن به هر چه مرج، مشغول کردن مردم به مبارزات خانگی، منحرف کردن مردم از مبارزه علیه دشمن اصلی.
- ۳- ترویج ناامنی، ترور، کشتار، دزدی، غارتگری، پخش مواد مخدر، قاچاق.
- ۴- بجان هم انداختن احزاب، سازمانها و گروه‌های سیاسی و ایجاد تفرقه.

در این میدان، مفسده جوینان، که متأسفانه بر اثر غفلت نیروهای انقلابی، در بسیاری از نقاط رخنه کرده و سنگرهای حساسی را در دست گرفته‌اند، نقش تخریبی خطرناکی را ایفا میکنند. اینان گاه مانند پالیزبان‌ها علیه سازماندهی نیروهای سیاه آدمکش میبرازند و گاه با ماسک «روحانی» (مانند حماسی‌ها، که از همکاران ساواک بوده و ماهرانه خود را در میان هواداران نزدیک امام خمینی جاداده بودند) بدین منظور که مناسبات برادرانه آنها را با روحانیون میهن پرست و انقلابی تیره سازند، نیروهای میهن پرست چپ رامورد حمله قرار میدهند، گاه با ماسک «روشنفکر ماوراء انقلابی» و «هواداران انقلاب کارگری»، جبهه امپریالیسم و ارتجاع را به فراموشی سپرده، ناجوانمردانه حزب توده ایران را بپادشاهت واقفرا میکینند و گاه بصورت «هواداران آزادی»، نیروهای انقلابی روحانی و مذهبی را هدف عمده و اساسی مبارزات «انقلابی» خود قرار میدهند.

بسیجوجه زیاده روی نیست اگر ادعا کنیم که بازماندگان رژیم سرنگون شده و کارگزاران سیای آمریکا و انگلیس و اسرائیل و مائوئیستهای سوگند خورده و سایر سازمانهای تبهکار، در همه این لباسها مشغول خرابکاری علیه انقلاب ایران هستند.

موضعگیری نسبت به این جبهه متحد دشمنان انقلاب ایران و برخورد با شیوه‌هایی که بکار میبرند، در جهت گیری کللی، برای

مقایله با مشکلات موجود بر سر راه تثبیت و تحکیم دستاوردهای انقلاب و تعمیق آن، در جهت منافع و خواستهای توده‌های دهها میلیونی مردم زحمتکش شهر و روستا، دارای اهمیت تعیین کننده است.

ولی باکمال تاسف این موضعگیری و این برخورد یکسان نیست. بطور کلی ۳ برخورد زیرین درمیدان سیاست در ایران دیده میشود:

#### ۱- برخورد نیروهای راستین انقلابی

برای این نیروها، امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی انقلاب ایران است و باید همه نیروها در جهت برانداختن تسلط نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و فکری این دشمن اصلی بکارانداخت. صهیونیسم یکی از مهمترین ابزارهای تسلط و توطئه‌های امپریالیستی و مسلمان‌فانترین دشمن انقلاب ایران در منطقه است و باید با تمام نیرو در راه درهم شکستن این سنگر عمده دشمن در منطقه تلاش کرد.

این برخورد، که بطور روشن و پیگیر در ارزیابی‌های امام خمینی بازتاب یافته و می‌یابد، مورد تأیید کامل حزب توده ایران است.

۲- برخورد نیروهای راست وابسته به سرمایه‌داری لیبرال ایران این نیروها معتقدند که امپریالیستهای آمریکائی و همدستان اروپائیشان دیگر خطری برای ایران نیستند. خطر برای انقلاب ایران، در درجه اول، از طرف نیروهای خلق است که خواستار امتیازات «زیادی» (!) هستند. باید اقتصاد ایران را بر پایه توسعه همکاری با کشورهای غرب، بر پایه تقویت همان قشر سرمایه‌داران وابسته بازسازی کرد. زحمتکشان در انقلاب چیزی از دست ندادند. ضرر عمده، متوجه سرمایه‌داران و تجار شده است. این نیروها هرگونه تحریک و ناامنی و خرابکاری و توطئه را، بدون هیچ‌پروائی به نیروهای انقلابی خلقی و توده‌ای نسبت می‌دهند.

این موضعگیری خطرناک، که عملاً در سیاست دولت موقت بازتاب یافته است، تا آنجا می‌رود که در اظهارات بسیاری از مقامات رسمی، بزحمت و بسیار کمیاب از تحریکات عمال امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا و سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم و حتی عمال ساواک میتوان ذکر کرد.

#### ۳- برخورد نیروهای افراطی راست و چپ

این نیروها در عین اینکه امپریالیسم و کارگزارانش را در ایران دشمن اصلی می‌شمارند، ولی در عمل جهت‌گیری عمده‌ها از دست داده‌اند و عمده تلاش خود را یا در جهت نادرست و یاد چپات فرعی بکار می‌برند. از یکطرف ما با قشریهای مذهبی‌روبرو هستیم که میکوشند تسلط انحصاری خود را بر همه زمینه‌های زندگی اجتماعی و سیاسی و فرهنگی کشور برقرار سازند، و چون در این راه با مقاومت نیروهای برخورد میکنند که با انحصارطلبی مخالفت دارند، به شیوه‌های تهمت و افترا متوسل میشوند.

نمونه بارز این شیوه برخورد در مراسم دفن و یادبود آیت‌الله مطهری بطور چشمگیری دیده شد. همه میدانیم که امام خمینی بارها در اظهار نظرهای روشن خویش تأیید کرده‌اند که توطئه قتل آیت‌الله مطهری و سرلشکر قری، بدون تردید عمل امپریالیستهای آمریکائی، صهیونیستها و ساواکیها بوده است. ولی علیرغم این سمت‌دهی روشن امام خمینی، نیروهای افراطی راست‌قشری، دشمن اصلی، یعنی آمریکا و اسرائیل را، بکلی درسایه فراموشی گذاشتند. و توده‌های وسیعی را، که بر اثر از دست دادن یکی از رهبران خود بحق برافروخته بودند، علیه نیروهای چپ (یعنی یک دشمن اختراعی، که کوچکترین ارتباطی با این جنایت و اینگونه جنایتها نمیتوانند داشته باشند) منحرف ساختند. ولی زندگی واقعی نیرومندان هر اتمی است. تحریف واقعیت، هر قدر هم که مردم فریب یابد، بالاخره فاش میشود. ما شاهد آن هستیم که مردم مبین پرست کشور، دشمن واقعی آزادی و استقلال خود را، از میان گردوغبار تاریکی آور منحرف کنندگان، به درستی میشناسند. نظیر این برخورد هم از سوی دیگر نیروهای افراطی، یعنی از سمت چپ کاملاً مشهود است.

در بسیاری از موضعگیریهای سیاسی و اجتماعی نیروهای جوان انقلابی، زیر پرچم چریکیهای فدائی خلق و همچنین در عمل سیاسی روشنفکران مبین‌پرستی که زیر پرچم عمومی «مبارزه در راه آزادی‌های دموکراتیک» درآمده‌اند، چنین برخورد نادرستی مشهود است. در اینگونه برخوردها، «عمده» جای خود را به مسائل «فرعی» واگذار میکنند و پی‌آمدهائی بیارمی‌آورد که درست در جهت عکس خواست عمده روز جنبش انقلابی ماست، یعنی نه در جهت گردآوری همه نیروها علیه دشمن اصلی، بلکه در جهت تفرقه‌افکنی و بجان هم اندازی این نیروها.

سخن کوتاه، بنظر من موضعگیری نادرست و در مواردی نارسای نیروهای افراطی راست و چپ در مسئله مرکزی، یعنی شناخت دشمنان اصلی انقلاب و برگزیدن سمت‌گیری عمده مبارزه روز برای منفرد ساختن و خنثی کردن دسیسه‌های دشمن اصلی، بنیان جدی جنبش انقلابی است و ناخواسته موجبات تفرقه و پراکندگی را در صفوف مبارزان خلق فراهم میسازد و به کامیابی دسیسه‌های دشمن اصلی کمک می‌رساند.

جانشین ساختن مبارزه علیه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی

امپریالیسم آمریکا، و صهیونیسم و ارتجاع ایران با مبارزه علیه «کمونیسم» از یک سو جانشین ساختن مبارزه علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع با مبارزه علیه «آخوندیسم» از سوی دیگر، موجب تفرقه نیروهاست و بطور عینی آبی است که به آسیاب دشمن اصلی انقلاب، یعنی امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع‌سیاه ایران ریخته میشود.

حزب توده ایران بر آنست که در هیچ صورت، هیچ عاملی، هیچ تحریکی، هیچ فشاری نباید نیروهای انقلابی را از مواضع اصولی خود در مبارزه علیه دشمنان اصلی انقلاب ایران روگردان سازد.

نیروهای انقلابی باید تمام کوشش خود را متوجه آن سازند که برای دشواریهای اجتماعی عظیمی که بر سر راه تثبیت و تعمیق دستاوردهای انقلاب ایران قرار دارد و هر روز بوسیله دشمنان انقلاب قرار داده میشود، راه حلهای اصلی علمی و درست پیدا کنند. در ارتباط با این وظیفه اصلی انقلاب کشورمان در لحظه کنونی، حزب توده ایران نظر خود را در زمینه پنج بخش عمده زندگی اجتماعی کشور، یعنی مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و ملی بیان میدارد و از همه نیروها و احزاب، سازمانها، گروهها و شخصیتهای سیاسی میخواهد که نظر خود را در این زمینه با روشنی و صراحت در پیشگاه افکار مردم قرار دهند.

## ۱- مسائل سیاسی

عمده وظیفه نیروهای ملی و انقلابی در زمینه مسائل سیاسی در لحظه کنونی عبارت است از بازگرداندن همه بندهای اسارت امپریالیستی، که بدست جنایتکار شاه خائن و دستیارانش بر مبین ماتمیل شده و تبدیل ایران به کشوری مستقل و غیرمتعهد. روشن است که این کار تنها با «اعلام» درست نمیشود و به اصلاح مردمی، با حلوا حلوا گفتن دهان شیرین نمیگردد؛ باید قرارداد-هائی را که این اسارت ملی را «چهارمیخ» کرده‌اند، از هم برید و به تعهدات تحمیلی امپریالیستی خاتمه داد.

نیروهای راستین انقلابی خواستار آنند که این قراردادها بلافاصله علنی شوند و محتوی جنایت بار آنها با اطلاع مردم برسد، غیرقانونی بودن آنها رسماً اعلام گردد و برای احقاق حقوق مردم ایران، که بر پایه این قراردادها تحمیلی، از دست رفته‌اند، دولت ایران، با اتکاء به پشتیبانی نیرومند مردم ایران و نیروهای ضد امپریالیستی سراسر جهان، وارد میدان مبارزه گردد. برخورد نیروهای سازشکار بکلی غیر از این است. شیوه عمده این نیروها پنهانکاری، بزرگ کردن اشکالات (۱) کار و در نتیجه بدرازا کشاندن تصمیمات است. همه مردم میدانند که اسارت‌بارترین قراردادها تحمیلی به مردم ایران قرارداد خائنه کنسرسیوم نفت و قرارداد دوجانبه نظامی با آمریکا، و به گفته سخنگویان دولت، نزدیک به هزار قرارداد اسارت‌بار دیگر وابسته به آنست. نیروهای مبین پرست ایران حق دارند نسبت به این روش پنهانکاری و حل و فصل مسائل در پشت پرده استتار ابراز سوءظن نمایند. مردم ایران در یک تیرد زندگی و مرگ علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم دست نشانده‌اش گام گذاشتند و دهها هزار کشته دادند، تا از راه انقلابی مسائل حیاتی سرنوشت خویش را حل کنند، نه اینکه پاننهانکاری و عدم قاطعیت، فرصتهای تاریخی از دست برود و اسکان داده شود که گرگهای خون‌آشام پوستهای بره بر تن کنند و با ماسک دوست به مردم ایران جا زده شوند.

درست است که در زمینه حل برخی مسائل سیاسی، تاکنون از طرف دولت یک رشته اقدامات مثبت انجام گرفته است، ولی در زمینه حل عمده‌ترین مسئله سیاسی، یعنی مناسبات با امپریالیسم آمریکا، دولت آقای مهندس بازرگان در مواضعی قرار گرفته، که نمیتواند مورد تأیید نیروهای انقلابی و ملی قرار گیرد. آیا ضرور بود قطعنامه سنای امپریالیستی و صهیونیستی ایالات متحده آمریکا صادر شود تا این نیروها یادشان بیفتد که باید مردم را علیه مداخلات امپریالیسم آمریکا و همدستانش در امور داخلی ایران تجویز کرد؟ آیا ما هر روز و هر لحظه شاهد این گونه دخالتهای بیش‌مانه امپریالیسم آمریکا و سایر امپریالیستها نیستیم؟ برخی از مقامات دولتی جسته و گریخته میگویند که محافل اقتصادی غرب ما را تحت فشار غارتگرانه قرار داده‌اند، کشتی‌های بازرگانی ایران را توقیف میکنند و اعتبارات ما را محدود میسازند. چرا دولت موقت این فشارها را فاش نمیکند و از مردم انقلابی ایران برای مقابله با آن کمک نمیخواهد.

در این امر حیاتی موضعگیری نیروهای راست و چپ افراطی نیز شایان توجه است. انگار که برای این نیروها یک چنین امر مهمی در زندگی سیاسی مبین ما وجود ندارد و یا اگر وجود دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار نیست. آیا شایان توجه نیست که در تظاهرات گوناگون، چه بمناسبت ترور آیت‌الله مطهری و چه بمناسبت صدمین سال زادروز دکتر مصدق، از این مسئله مهم، که با سرنوشت انقلاب ایران پیوند دارد، یادی بعمل نیامد؟ آیا این برخورد، گویای این واقعیت نیست که این نیروها مطلب عمده

را فراموش کرده‌اند و مردم را به جزئیات و یابوسی سراب‌ها متوجه میسازند.

## ۲- مسائل اقتصادی

بدون تردید سرنوشت انقلاب ایران، در درجه اول و بطور تعیین کننده، وابسته به حل دشواریهای اقتصادیست که اکنون مبین ما یا آن روبرو و دست یگریبان است. حل درست، یعنی حل ملی و خلقی این دشواریها، پیروزی انقلاب را تثبیت میکند و دستاوردهای آن را در جهت تأمین منافع اکثریت ده‌میلیونی مردم زحمتکش گسترش می‌بخشد، و برعکس، کوشش برای حل این دشواریها در چهارچوب منافع سرمایه‌داری بزرگ و وابسته، انقلاب را عقیم کرده و سرانجام با ناکامی روبرو خواهد ساخت.

اساسی‌ترین راهها برای گشودن گره‌های آن کلاف سردرگمی که بر اثر مختل شدن نظام اقتصادی وابسته در کشور ما پدید آمده است، عبارتند از:

الف - براه انداختن چرخ اقتصاد فلج شده، و در ارتباط مستقیم با آن، حل مسئله دردناک بیکاری.

ب - تبدیل ریشه‌های اقتصاد وابسته یا امپریالیسم به اقتصاد مستقل ملی.

پ - تبدیل اقتصاد مبتنی بر غارت بی‌بندوبار ثروت ملی و محصول کار زحمتکشان به اقتصاد متکی به منافع خلق.

در ارتباط با این مسائل عمده اقتصادی، ما به چهار برخورد که نماینده چهارگرایش سیاسی مشخص جامعه ماست، روبرو هستیم:

۱- ضد انقلاب، در درون کشور، از یکسو یا دستهای زیاد و نیرومندی که در سازمان دولتی و در محافل بالای اقتصادی دارد، در هر گونه راه حل منطقی کارشکنی می‌کند و کوششهای عناصر انقلابی و دلسوز رافلج مینماید، و از سوی دیگر با کمک عوامل بی‌شمار ساواک و وابستگان آن، که در همه گروههای سیاسی چپ و راست و حتی در ارگانهای اجرائی انقلابی، رخنه کرده و ریشه دوانده‌اند، میکوشد با دادن شعارهای تند از راست و «چپ»، در همه جا محیط را متشنج سازد و کامیابی هر گونه تلاش عقلانی را، حتی برای پیدا کردن راه‌حلهای موقت و محدود، غیر ممکن گرداند.

محافل امپریالیستی غارتگر میکوشند، با استفاده از وابستگی همه‌جانبه اقتصاد ایران به اقتصاد کشورهای امپریالیستی، از راه وارد آوردن فشارهای اقتصادی، از مشکلات موجود یه سود خود جدا کنند بهره‌برداری کنند. در این زمینه عدم قاطعیت انقلابی و بی‌نقشه بودن دولت موقت، برای آنها کمک‌بزرگی است. عمل این محافل صد درصد با عمل ضد انقلاب در ایران هماهنگ و دارای هدف مشترک است. هدف این محافل امپریالیستی، دست بدست با ضد انقلاب در ایران، اینست که روند بازسازی اقتصادی مبین ما رافلج سازند و از این راه نارضائی مردم را دامن زنند و آتش هرج و مرج و طغیان را برافروزند و با آن، شرایط را برای بقدرت رسیدن رژیم وابسته‌ای، از نوع قدیم و یا از نوع جدید آماده سازند.

۲- محافل سازشکار وابسته به سرمایه‌داری بزرگ ایران می‌کوشند مشکلات اقتصادی را در چهارچوب تأمین و تثبیت منافع خود حل کنند. راه حل پیشنهادی آنان، در درجه اول برای پراه انداختن چرخ فلج شده اقتصادی و حل مسئله بیکاری، پوست کنده اینست که: دولت همه امکانات مالی خود را در اختیار مقاطعه کاران و سرمایه‌داران بزرگ بگذارد و با استفاده از روشهای سختگیرانه علیه زحمتکشان و محدود ساختن خواستهای بحقشان، همه راه‌ها را برای پراه انداختن «چرخهای اقتصادی» (۱)، یعنی برای پراه انداختن چرخهای غارت بی‌بندوبار، مانند گذشته، هموار سازد. این سمتگیری در اظهارات آقای نژیبه، رئیس شرکت ملی نفت ایران، در کنگره حقوق دانان، با روشنی بازتاب یافت.

پیش‌بینی پیامد این راه پیشنهادی محافل سرمایه‌داری بزرگ ایران دشوار نیست. دولت با شرایط بسیار مناسب اعتبارات و وسیعی را، که از درآمد نفت بدست می‌آید، به مقاطعه کاران و سرمایه‌داران وابسته و صاحبان تاسیسات بزرگ کشاورزی واگذار میکند. اکثر این گروه‌ها، همانطور که در گذشته عمل کرده‌اند، بخش عمده این اعتبارات را از راه‌های گوناگون به بانکهای خارجی منتقل خواهند ساخت و پس از چندی، دوباره با کیسه‌های خالی، در مقابل خزانه دولت صف خواهند کشید و با تهدید به خواباندن چرخهای اقتصادی، خواستار وامها و اعتبارات جدیدتر خواهند شد.

درست است که دولت آقای بازرگان، تاکنون به بهانه موقتی بودن خود، هیچگونه نقشه همه‌جانبه‌ای برای بازسازی اقتصادی، برای تبدیل اقتصاد وابسته به اقتصادی ملی، برای تبدیل اقتصاد غارتگرانه به اقتصادی خلقی ارائه نکرده است، ولی آنچه که از تصمیمات و اظهار نظرهای اخیر رئیس دولت میتوان استنباط کرد، سیاست دولت فعلی تنها متوجه گره اول است و راهی نیز که دولت برای گشودن این گره برگزیده، همان راه بی‌سرانجام محافل راست سرمایه‌داری ایران است.

بنظر ما، افشاری دولت در ادامه این سمت‌گیری، گره مشکلات را باز نخواهد کرد و برعکس آنرا پیچیده‌تر و دشوارتر خواهد نمود.



ضد امپریالیستی بسکار برده اند و هر روز با نمونه تازه از این تحریکات مواجه می‌شویم.

با کمال تأسف باید گفت که عمل گروههای افراطی راست و چپ هم، در مبارزه علیه آزادیهای فردی واجتماعی، کمتر از عمل ضد انقلاب زیانبخش نیست. آنها آزادی رادرجهارچوب آزادی مطلق برای خود محدود کردن آزادی برای مخالفان و یارقیبان سیاسی خود میپذیرند و برای تحمیل این «آزادی» از توسل به شیوه های نادرست و حتی مخالف و مغایر آزادی خودداری نمیکنند. از بسیاری از شهرها و روستاها و حتی نقاط مختلف تهران خبر میرسد که گروههای بی‌مسئولیت، فعالیت آزاد احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی و فرهنگی را مورد تهاجم قرار میدهند، کلویهای سازمانهای مخالف خود را بنام دفاع از جریان «قشری» و -یران میسازند، کیوسکها و کتابفروشی‌هایی را که روزنامهها و نشریات سازمانها و گروههای سیاسی چپ را بفروشد، آتش میزنند، کتابسوزان راه می‌اندازند، چایخانه‌ها را تهدید میکنند و زیر نام «حزب الله» به تظاهرات میهن پرستانه و ضد امپریالیستی با چوب و چماق حمله میکنند. از جمله در خرم‌آباد بدانشگاه حمله کرده و کتابخانه دانشگاه را نابود ساخته‌اند.

حزب توده ایران، ضمن اینکه نمیخواهد به این پدیده‌های ارتجاعی، که بدون شک سرنخ‌آخری آن بدست عمال امپریالیسم و ساواک است، بیش از آنچه که هست، بپردازد، یادآور میشود که اگر این عملیات خرابکارانه از طرف مراجع رهبری انقلاب بطور جدی محکوم نگردد و از طرف مقامات دولتی و سایر مراجع حفظ نظم و امنیت اجتماعی بطور جدی و بیکیفر جلوگیری نشود، پدیده‌های هرچ و مرج، که دشمن آزادی واقعی است، هر روز بیشتر بروز خواهند کرد.

بنظر حزب توده ایران، خنثی کردن دسیسه‌های ضد انقلاب علیه آزادی، تنها از راه اتحاد و مبارزه مشترک همه هواداران راستین آزادی واقعی و مشخص - نه آزادی انتزاعی - یعنی آزادی بیان، قلم، احزاب، سندیکاها، اجتماعات و غیره در راه تثبیت و گسترش و پیشبرد دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلقی ممکن است.

بنظر ما هر گونه کوشش برای محدود کردن این آزادی، همانقدر محکوم است که هر گونه کوشش برای سوءاستفاده از آزادی برای ایجاد تفرقه، گمراه کردن و منحرف ساختن افکار عمومی و توجه مردم از مسائل عمده انقلاب اجتماعی در ارتباط با این تجاوزات به آزادی و برخی پیش‌آمدهای دیگر، در هفته‌های اخیر در محافل سیاسی روشنفکران ایران سر و صدای پر دامنه‌ای درباره «خطر فاشیسم» مذهبی بلند گردید و همه مسائل عمده اجتماعی ایران را تحت الشعاع خود قرارداد. در این باره ما با صراحت اعلام میداریم که با وجودیکه حرکات مشخصی، از طرف برخی گروههای انحصار طلب و راست‌گرای قشری برای محدود کردن آزادی در این گوشه و آن گوشه دیده می‌شود. در لحظه کنونی خطر عمده علیه آزادی در ایران از این سمت نیست، بلکه بطور عمده از سوی ضد انقلاب است که می‌کوشد، با فلج کردن روند بازسازی جامعه، شرایط را برای بازگشت خود بقدرت آماده سازد. باید این توطئه‌ها را در همه‌چهره هایش شناخت و باشکست روبرو ساخت. ضد انقلاب می‌کوشد ناراضی حاصله از اینکه نه زیاده رویها را (که بدون تردید بخشی از آنها را خود تدارک می‌بیند و ماهرانه بروی صحنه میآورد) علیه رهبری سیاسی امام خمینی، که با قاطعیت و بیکیفری در مواضع پیشین خود در جهت ریشه کن ساختن تسلط امپریالیسم امریکا و صهیونیسم و رژیم شاه مخلوع و در جهت بهبود شرایط زندگی زحمتکشان شهر و روستا ایستاده است، متوجه سازد. امپریالیسم در گسترده اینگونه دامها بر سر راه مبارزان جوان و کم تجربه استادیست کهنه‌کار.

شرط اساسی برای تحکیم و تثبیت آزادیهای دمکراتیک، تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی، یعنی نظام جدید ملی، دمکراتیک و خلقی است. همه نیروهای ضد امپریالیست باید هم خود را بر این بگمارند که این قانون هرچه زودتر تهیه و به بررسی همگانی گذاشته شود، با نظریات اصلاحی مردم تکمیل گردد و به تصویب مجلس مؤسسان برسد. تنها همکاری همه نیروهای ملی و آزادیخواه متکی به منافع خلقی میتواند این قانون اساسی را بصورت یک سند تضمین کننده تثبیت و گسترش دستاوردهای انقلاب ملی، دمکراتیک و خلقی خلق ما پی‌ریزی نماید.

حزب توده ایران یکبار دیگر پیشنهاد خود را در مورد ضرورت فوری یک گرد همائی همه نیروهای آزادی‌دوست، ضد امپریالیستی و خلقی، بمنظور اتخاذ یک روش هماهنگ در این زمینه مطرح میسازد و امیدوار است که روشن بینی سیاسی برپیشداوریها و اختلاف نظرهای عقیدتی غلبه نماید.

در این زمینه، باز هم با روشنی اعلام میداریم که آنچه برای حزب توده ایران دارای اهمیت تعیین کننده است، محتوی واقعی هر پدیده، هر نظام اجتماعی است، نه پوسته خارجی و نامگذاری آن. اگر محتوی یک نظام اجتماعی از منافع ملی ما علیه امپریالیسم و از منافع توده‌های زحمتکش و رنجبر کشور علیه غارتگران دفاع کند، و آزادی همه مردم را صرف نظر از اعتقادات سیاسی و مذهبی و فکریشان تضمین نماید، کشور ما را به کشوری مستقل، و صلح

و عده‌های توخالی و پوچ، بلکه با ارائه نقشه‌های روشن و قابل دفاع، قانع شوند که روند سیاست دولت در حل مشکلات اقتصادی، روندی است که بر پایه دفاع از منافع زحمتکشان در مقابل غارتگران استثمارگر استوار است، آماده خواهند بود که با زهم محرومیت‌ها را تحمل کنند و با تمام نیروی خود برای ساختن نظامی که خواسته‌های بحق آنها را برآورده نماید، عملاً و بی‌دریغ همکاری کنند. این وظیفه احزاب و سازمانهای سیاسی پشتیبان انقلاب است که با همکاری وسیع در یک «جبهه متحد خلق»، چنین نقشه همه‌جانبه‌ای را برای انجام زدن به بحران اقتصادی موجود و بیرون آمدن از آن، طرح‌ریزی کنند و برای پیاده کردن آن «متفقاً همه نیروهای خلقی را تجهیز نمایند.

با کمال تأسف باید یادآوری کرد که نیروهای افراطی چپ و راست، در عین اینکه به اهمیت حل مسائل اقتصادی، بعنوان مهمترین مشکل دوران تثبیت پیروزی انقلاب آگاهند، در عمل نه تنها برای پیداکردن و دفاع یکجانبه از راه حل عقلانی کوششی نمی‌نمایند، بلکه برعکس، در جریان تلاش برای رسیدن به هدفهای محدود و تنگ نظرانه و انحصار طلبانه سیاسی، با زهم «عمده» را با «فرعی» جا بجا میکنند.

بهترین گواه برای صحت این ادعای ما اینست که، هیچیک از این دو نیرو تا کنون نه تنها هیچ نقشه مشخص و روشنی برای بازکردن گره‌های پیچیده اقتصاد فلج شده کشور پیشنهاد نکرده‌اند، بلکه هرگز آمادگی نشان نداده‌اند که در یک گفتگو و تبادل نظر برای بررسی پیشنهادهای مشخص حزب ما شرکت جویند. آنها تنها میکوشند که این موضعگیری خود را پشت پرده‌ای از افترا و دشنام (آنهم متأسفانه اغلب در سطوحی بسیار پائین و ناشایست) بپوشانند.

تصادفی نیست که برای این نیروها، از یکسوی حادثه روزنامه «کیهان» و از سوی دیگر مسائلی پیرامون روزنامه «آیندگان» به مسئله عمده سیاست روز تبدیل میشود، ولی حل مهمترین مسئله‌ای که جامعه ما با آن روبرو است، اصلاً جزائی را در تبلیغات و اقدامات سیاسی آنان اشغال نمیکند.

البته این «بی‌توجهی» و «فراموشی» از طرف گروههای راست و «چپ» سیاسی وابسته به سرمایه‌داری ایران قابل درک است، زیرا آنان، بدون اینکه بخواهند علناً به آن اعتراف کنند، راه حلی جز آنچه محافظ راست سرمایه‌داری سازشکار ایران پیشنهاد میکنند، ندارند. ولی آنچه قابل درک نیست، موضعگیری آن نیروها نیست که خود را هوادار نابود کردن «استثمار فرد از فرد» معرفی میکنند. پرسش ما از این دوستان اینست که چه برنامه‌ای برای این منظور خود دارند؟ و چه رشته اقدامات ضرور و گام به گام را برای رسیدن به این هدف پیشنهاد میکنند؟

باز هم سخن کوتاه، بنظر حزب توده ایران، «مشکل اقتصادی»، مهمترین و بزرگترین مشکل جامعه کنونی پس از انقلاب اخیر میهن ماست. سر نوشت انقلاب ایران به سرانجام حل این مشکل بستگی کامل و همه جانبه دارد. نیروهای راستین انقلابی و ملی ایران باید توجه اساسی و عمده خود را به پیداکردن راه حل عقلانی و عملی این مشکل معطوف دارند.

### ۳ - مشکل اجتماعی

با انقلاب ایران نظام سلطنت استبدادی وابسته به امپریالیسم فروریخت و بی‌ریزی نظام جدید ملی وضد استبدادی در چارچوب جمهوری اسلامی در جریان است. همه نیروهایی که در این انقلاب فعالانه شرکت داشتند، چه پیش از پیروزی انقلاب و چه پس از آن، پیوند ناگسستنی خود را با اصول آزادی، بعنوان پایه اساسی نظام جدید، اعلام داشته و میدارند. درست است که امروز مردم ایران از آزادی‌های بسیاری برخوردارند، ولی بهیچوجه نمیتوان نادیده گرفت که نیروهای تاریکی که این آزادیها را بشدت مورد تهدید قرار میدهند، با نقابهای گوناگون، آشکار و نهان، گرم فعالیتند. هم‌اکنون میتوان گفت که این آزادی هنوز تحکیم نیافته، از همه سو، یعنی از سوی ضد انقلاب، از سوی افراطیون راست و افراطیون چپ مورد تهدید جدی قرار گرفته است.

ضد انقلاب با بهره برداری از آزادی موجود، به روشیله‌ای دست میبازد تا ریشه نهال آزادی را خشک سازد. ضد انقلاب بدست عناصر خود همه‌جا میکوشد آزادی را، از یکطرف بصورت هرچ و مرج و از طرف دیگر بصورت عامل فلج کننده درآورد، و از این دوره مردم را از آزادی روگردان سازد.

شایان توجه اینست که عمال ضد انقلاب، این مبارزه علیه آزادی را، ماهرانه بنام دفاع از مذهب انجام میدهند، همانطوریکه توطئه‌های تروریستی خود را علیه رهبران مذهبی و سیاسی زیر پرده هواداری از مذهب اسلام انجام دادند.

مردم ایران از یاد نبرده‌اند که رژیم شاه - ساواک هم بخش عمده‌ای از سیاست ضد ملی، ضد دمکراتیک و ضد خلقی خود را زیر پوششی از مذهب نمائی و بدست گروهی روحانی نمای مزدور عملی میساخت.

مبارزان توده‌ای بارها شاهد آن بوده‌اند که گروه‌های مائوئیستی، زیر پوششی از جملات مارکسیستی، همان شعارها و شیوه‌های عمل ضد انقلاب را در ایجاد تحریک و تفرقه، در بهم زدن تظاهرات

۳ - نیروهای متکی به خلق خواستار آنند که گره پیچیده مشکلات اقتصادی، با سمت‌گیری دفاع از منافع ملی در برابر تجاوزات امپریالیستی و منافع توده‌های میلیونی زحمتکشان شهر و روستا در برابر تجاوزات غارتگرانه طبقات حاکمه سرمایه‌دار و زمین‌دار بزرگ وابسته به رژیم سرنگون شده و امپریالیسم بازگردد.

برداشت ما از محتوی نظریات اقتصادی امام خمینی و هواداران ایشان، که از یک سمت‌گیری دفاع از خواست‌های بحق «مستضعفین» در برابر تجاوزات «مستکبرین» پیروی میکنند، در همین چهارچوب است.

اگر بخواهیم این چهارچوب را در زندگی اقتصادی روزمره پیاده کنیم، به نتایج مشخص زیرین، که یگانه راه گشایش گره‌های پیچیده مسائل اقتصادی و یگانه ضامن تثبیت پیروزی انقلاب است، خواهیم رسید.

الف - کلیه تأسیسات صنعتی، مالی، بازرگانی و ترابری متعلق به امپریالیستها و به وابستگان رژیم سرنگون شده، یعنی سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ وابسته به انحصارهای امپریالیستی و رژیم سرنگون شده، را باید بی‌درنگ مصادره و ملی کرد و اداره این تأسیسات را به گروههای برگزیده شده از سوی کارگران و کارمندان و مهندسان و مدیران واگذار نمود و اعتبارات کافی در اختیار آنان گذاشت و کمکه‌های فنی و مادی لازم را به آنها رسانید.

ب - در مورد تأسیسات مونتاز، که براه افتادن آنها بارسیدن مستقیم قطعات از کشورهای تولید کننده اصلی در ارتباط است، باید با تجدید نظر در قراردادهای موجود، شرایط آغاز فوری کار را فراهم کرد و با تنظیم نقشه‌های دراز مدت، شرایط فنی و مادی ضرور برای تبدیل این تأسیسات را به تأسیسات خودکفا و بدون وابستگی به امپریالیسم آماده ساخت و در صورت لزوم تعمیر کامل رشته تولیدی این تأسیسات را برنامه‌ریزی نمود و عملی کرد. باید کارگران و کارکنان فنی و اداری را، که برای نان روزمره خود علاقمند به براه افتادن چرخهای تولید هستند، در اداره این تأسیسات از راه سازمانهای صنفی کارگران و شوراهای انتخابی همه کارکنان شرکت داد و متعهد ساخت و به آنان اعتماد کرد. اینست راه ملی و خلقی گشایش گره‌های پیچیده اقتصادی.

پ - در مورد صنایع و تأسیسات کشاورزی و کارگاههای ساختمانی متعلق به سرمایه‌داران ملی غیر وابسته، نظر حزب توده ایران اینست که دولت باید برای براه انداختن هر چه زودتر آنها، اعتبارات ضروری و کمکه‌های همه جانبه میندودارد، با این شرط که این اعتبارات و کمکه‌ها صرفاً برای براه انداختن تولید مصرف گردد، و برای تحقق این امر نیز یک کنترل دوجانبه، از جانب دولت و از جانب سازمانهای صنفی کارگران و کارمندان این موسسات ضروری است - در مورد بیرون آوردن اقتصاد کشاورزی از بحران کنونی، یگانه راه، ملی کردن تأسیسات بزرگ کشاورزی متعلق به سرمایه‌های امپریالیستی و وابستگان رژیم سرنگون شده و اداره آنها با کمک مدیریت مورد اعتماد سازمانهای صنفی کارگران و همکاری شوراهای انتخابی از طرف همه کارکنان، مصادره اراضی کشاورزی بزرگ متعلق به زمین‌داران بزرگ و تقسیم آن بین دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین، کمک به ایجاد شرکت‌های تعاونی تولید و مصرف برای این کشاورزان و رساندن کمکه‌های فنی و کسود به آنان و ایجاد یک سیستم دولتی خرید عادلانه و جمع‌آوری سریع محصولات از واحدهای کوچک و متوسط تولید کشاورزی است. اینست بنظر ما آغاز بیرون رفت از بحران عمیقی که اقتصاد کشاورزی کشور را فرا گرفته است.

در این زمینه، نقش سازمانهای واقعی صنفی زحمتکشان شهر و روستا اهمیت تعیین کننده‌ای دارد و هر گونه تلاش برای فلج کردن و یا تجزیه این سازمانها و یا محدود ساختن تأثیر آنها در جریان بازسازی اقتصاد و نوسازی آن در جهت دفاع از منافع زحمتکشان، زیانهای جبران‌ناپذیر به روند تثبیت پیروزی انقلاب وارد میسازد و راه را برای دسیسه‌های خرابکارانه ضد انقلاب هموار میکند.

تنها از این راه است که میتوان، در مدت کوتاه، با اعتبارات کمتر، به بهترین کیفیت و بالاترین کمیت، چرخهای اقتصاد را براه انداخت، برای مشکل بیکاری راه حل عملی پیدا کرد، شرایط را برای تبدیل ریشه‌های اقتصاد وابسته به امپریالیسم به اقتصاد مستقل ملی آماده نمود و به غارتگری بی‌بندوبار و ثروتهای ملی و محصول کار زحمتکشان بوسیله سرمایه‌های امپریالیستی و سرمایه‌های وابسته انجام زد.

ث - نکته مهم دیگری که در زمینه مسائل اقتصادی مطرح است، موضوع تأمین زندگی مناسب برای زحمتکشان شهر و روستا است. تردیدی نمیتوان داشت که توده‌های میلیونی کارگران و سایر زحمتکشان، که فعالانه در انقلاب شرکت کردند و جانپنازی نمودند، انتظار داشتند که نظام انقلابی به غارت‌های امپریالیستی و رژیم سرمایه‌داری وابسته به آن پایان دهد و برای زحمتکشان شرایط روز بروز بهتر و مناسبتری را برای کار و برای برداشت از محصول کارشان فراهم نماید. درست است که با دشواریهای پیداشده بر اثر فروریزی نظام غارتگر، بر آوردن همه خواسته‌های زحمتکشان بلافاصله و حتی در زمان کوتاه ممکن نیست، ولی ما اطمینان داریم که زحمتکشان ایران، در صورتیکه، نه تنها با

دوست، مبدل کند و آنرا درجگه کشورهای غیرمتعهد واردسازد، در سیاست جهانی از مبارزات خلقهای محروم علیه امپریالیسم جهانخواه و متجاوز، علیه رژیمهای فاشیستی و نژادپرست پشیمانی نماید، یک چنین نظامی مورد پشتیبانی کامل ماست.

## ۴ - مشکلات در زمینه حقوق ملیتها

یکی از مشکلات انقلاب ایران مشکل ملی است، که حل درست و عقلانی آن، میتواند جامعه ما را یک گام بزرگ بجلو ببرد، و جلوگیری از آن، میتواند به ایجاد کانونهای تفرقه و نا امنی و دسیسه‌های استعماری میدان دهد.

استفاده از زبان مادری برای تکلم و آموزش، استفاده از فرهنگ ملی برای زندگی هرروزه و استفاده از آزادی برای برگزیدن اداره کنندگان زندگی اجتماعی، از حقوق اولیه هر خلق آزاد است.

حزب توده ایران، از همان اولین روزهای موجودیت خود، دفاع از این حقوق را برای همه اقلیت‌های ملی، که در سرزمین ایران زندگی میکنند، بدون تزلزل در برنامه سیاسی خود جا داده و همواره بطور پیگیر از آن دفاع کرده و میکند.

حزب توده ایران احترام و شناسایی این حقوق ملی، یعنی خودمختاری اداری و فرهنگی برای خلقهای غیر فارسی زبان ایران، به‌چوچه مقایسه با اصل دفاع از وحدت ملی ایران در چهار چوب خدشه ناپذیر تمامیت ارضی کشور نمیداند، برعکس، احترام به حقوق ملی را، یکی از مهمترین پایه‌های تأمین وحدت واقعی داوطلبانه و ملی می‌شمارد.

درعین حال ما صریحاً اعلام می‌کنیم که هر قدر حل این مشکل بطول انجامد، امکان بهره برداری زیانبخش و فسادآلود از آن بدست دشمنان ملی ما، یعنی عمال سرسپرده امپریالیسم و صهیونیسم و وابستگان رژیم سرنگون شده، بیشتر و بیشتر خواهد شد. امپریالیسم و ارتجاع میکوشند مشکل ملی را، بعنوان یکی از جنگ افزارهای زهر آلود خود علیه نظام ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی بکار اندازند، تنها حل عقلانی و منطقی مسئله ملی است که میتواند زمینه را برای تحریکات عوامل دشمن نامساعد سازد و اتحاد همه خلقهای سرزمین ایران را در روند بازسازی و نوسازی کشور تأمین نماید.

باکمال تأسف باید بپذیریم که هم اکنون، در نتیجه تعلل و ناپیگیری دولت موقت در حل این مسئله، در کردستان، خوزستان، بلوچستان و در میان خلق ترکمن و همچنین در میان دیگر گروههای ملی در ایران، بدست عوامل سرشناس امپریالیسم و رژیم سابق تحریکات پراکنده‌ای سازمان یافته و یا در حال سازمان یافتن است. ضد انقلاب در این زمینه با تمام نیرو مشغول تلاش است و این میدان را یکی از مساعدترین میدانها برای فعالیت مخرب خود میدانند.

حزب توده ایران آنقدر برای گشودن هرچه سریعتر این گره اهمیت قائل است که پیشنهاد می‌کند، بی‌درنگ وزارتخانه ویژه‌ای برای حل مسئله ملی تاسیس گردد. تاریخ سراسر جهان نشان داده است که حل این دشواری، جز از راه تفاهم نیروهای مترقی و خلقی از هیچ راه دیگری میسر نیست. با استفاده از نسخه‌های کهنه و پوسیده اعمال قهر و دادن رشوه سیاسی به «مستفدین» و «طبقات حاکمه» می‌توان داری مسکن برای زمان کوتاهی تهیه کرد، ولی درمان درد از این راه مطلقاً میسر نیست.

درعین حال، حزب توده ایران توجه نیروهای ملی و انقلابی را، که هوادار راستین حل مسئله ملی در چهارچوب انقلاب ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی ایران هستند، باین واقعیت جلب می‌کند که در لحظه کنونی، جهت عمده مبارزه همه نیروهای انقلابی ایران، علیه امپریالیسم و بازماندگان رژیم سرنگون شده پهلوی است و حلقه اساسی این نبرد، بازسازی اقتصادی و تأمین آزادی و امنیت اجتماعی است. باید با تمام قوا از آن پرهیز کرد که در این مبارزه حیاتی، مسائل مربوط به تأمین حقوق ملی، که با وجود اهمیتشان، در تناسب با مسئله عمده انقلاب در مرحله کنونی، جنبه فرعی دارد، به مسئله عمده مبدل شود و در جنبه متحد همه نیروهای ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی ایران شکاف بوجود بیآورند و در بدترین حالت، نیروهای را که باید متحداً برای تثبیت و تعمیق عمده‌ترین دستاوردهای انقلاب در صف واحدی مبارزه نمایند، بجان هم اندازند.

## ۵ - امنیت ملی و امنیت اجتماعی

همه نیروهای فعال اجتماعی کشور، در این ارزیابی هم‌زمان هستند که امر امنیت اجتماعی و امنیت ملی یکی از گره‌های در هم پیچیده‌ایست که در برابر همه مردم قرار گرفته است، در این ارزیابی نیز اکثر هم‌زمانند که دولت موقت هنوز سرنخ این کلاف سردرگم را پیدا نکرده است و با سمت‌گیری سیاسی و اجتماعی که پیش گرفته، مسلماً سرنخ را پیدا نخواهد کرد.

همه میدانیم که ضمن اینکه در کشور آزادی وجود دارد، امنیت اجتماعی برای بهره‌گیری از این آزادی بسیار محدود است. عوامل سرسپرده ضد انقلاب از راه ترور و آدمکشی، از راه تجهیز خود فروختگان و ساده‌باوران، زیرماسک‌های ماوراءچپ‌ما توئیستی و یا ماوراء راست قشری، برای حمله به تظاهرات میهن پرستانه ضد امپریالیستی، به مراکز فعالیت نیروهای راستین انقلاب، آتش زدن کتابفروشی‌ها، وغیره وغیره امنیت اجتماعی را مختل می‌سازند. گروههایی زیر ماسکهای گوناگون با اعمال قهر امنیت فعالیت سیاسی و مطبوعاتی را از مخالفان خود سلب میکنند. ما شاهد آن هستیم که این گونه عملیات تحریک آمیز روز بروز وسعت بیشتری پیدا می‌کند. ضرورت اقدامات جدی برای تأمین امنیت اجتماعی هر روز بیشتر احساس می‌شود.

واقعیت اینست که نظام جنایت پیشه استبداد سلطنتی در هم فرو ریخت و نظام نوین ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی در دست پی‌ریزی است، این‌پریش برای همه مطرح است که، آیا میشود بر روی همان پایه پوسیده، که تار و پودش به امپریالیسم و استبداد سیاه وابسته است، یک نظام انسانی و خلقی را برپا ساخت؟

تمام مردم مبارز ایران به این پرسش پاسخ منفی میدهند، تجربه همه انقلابهای جهان، و از آن جمله تحولات اجتماعی کشور خودمان، این موضع‌گیری مردم را تأیید می‌کنند. مسلماً آن نیروها و شخصیت‌های سیاسی که مستگیری خود را برای حل این مشکلات بر پایه بازسازی نیروهای انتظامی کشور، بر مبنای همان کادر دوران رژیم سرنگون شده مشخص کرده‌اند، نمی‌توانند فراموش کرده باشند که در دوران مبارزه برای ملی کردن نفت هم، دکتر مصدق همین سیاست را در پیش گرفت و تصور میکرد که تنها با واگذاری چند پست فرماندهی در ارتش و پلیس و ژاندارمری وابسته به امپریالیسم و سلطنت استبدادی، به افراد میهن پرست و آزادی دوست و مورد اعتماد، این سازمانها بعکس خود، یعنی نیروهای خادم مردم بدل خواهند شد.

ما دیدیم که در آن زمان، با اینکه همین تیمسار سر لشکر ریاحی رئیس ستاد بود، با اینکه سرتیپ امینی و سرتیپ دفتری، که از معتمدین دکتر مصدق بودند، ریاست کل شهربانی و ژاندارمری کشور را در دست داشتند، با اینکه سرهنگ ممتاز فرمانده تیب زرهی مرکز بود و از خانه دکتر مصدق نگهداری میکرد، با اینکه سایر دوستان و هم‌راهان سیاسی این افسران، یعنی افسران وابسته به جنبه ملی، تقریباً تمام پستهای فرماندهی واحد های عمده ارتش و پلیس و ژاندارمری را در دست داشتند. (با توجه به اینکه در آن زمان هنوز سازمان مخوف ساواک و شاخه‌های سازمانهای مخفی سیا آمریکا و موساد اسرائیل با اندازه‌های بزرگ و متشکل و مجهز نبودند). چه پیش آمد و چگونه ارتش و سایر نیروهای انتظامی آلت اجرای کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد گردیدند و کودتاچیان، زیر نظر فرماندهان متمهد، دسیسه جهنمی و خائنه خود را سازمان دادند و دولت ملی دکتر مصدق را سرنگون ساختند.

در آن روزها، و حتی تا ساعت ۱۲ صبح ۲۸ مرداد، علیرغم همه بیدارباشهای مکرر و مؤکد حزب ما در مورد خطر بلافاصله کودتا، دوستان و هم‌راهان دکتر مصدق در نیروهای انتظامی به او «اطمینان» دادند (ما تردید نداریم که مسلماً خودشان هم باور داشتند) که از ناحیه ارتش، پلیس و ژاندارمری خطری وجود ندارد. و این همان اطمینانی است که به آقای بازرگان داده میشود و آقای بازرگان هم به مردم میدهد.

این تجربه تاریخی ۲۸ مرداد، که اینقدر گران تمام شد، بمردم میهن پرست و آزاد دوست ایران بیدار باش میدهد که به اینگونه وعده ها (با اینکه در صداقت وعده دهندگان تردید نمیکنیم) اعتماد ننمایند و به پیشنهادهای آنان درباره نوسازی نیروهای انتظامی، بر پایه همان پی‌های پوسیده گذشته، با عدم اطمینان نگاه کنند. این تفاوت را هم باید در نظر گرفت که در پی پیروزی انقلاب، برخلاف دوران دکتر مصدق، عناصر وابسته به امپریالیسم و رژیم سیاه شاه مخلوع، بسیاری از امتیازات گذشته خود و بیش از همه «آقائی و سروری» خود را از دست داده‌اند و مورد بغض و نفرت میلیونها مردمی هستند که دهها هزار نفر از جوانان شان بدست این سرسپردگان بضاک و خون غلطیده‌اند.

از سوی دیگر کسانی که بسیاری از امتیازات گذشته خود و بیش از همه «آقائی و سروری» خود را از دست داده‌اند، نسبت به نظام انقلابی نوین کینه‌تسکین ناپذیری دارند و آنرا پنهان هم نمیکنند. بهمه اینها باید افزود که بخش مهمی از نیروهای سیاه دست نخورده رژیم سرنگون شده، با همه امکانات گذشته خود باقی مانده‌اند. همه میدانند که هزاران مأمور جنایتکار ساواک با اسلحه، وسائل ارتباطی، رادیو و اتومبیل‌های ضد گلوله خود در سراسر ایران پراکنده‌اند، بوسیله مأموران مخفی سیا آمریکا، سازمان داده میشوند و هم‌اکنون تمام خرابکاری‌ها را اداره می‌کنند و خود را برای خرابکاری‌های وسیع تری آماده می‌سازند.

همه میدانند که گروههایی از افسران وابسته به رژیم در ارتش، پلیس و ژاندارمری، هم‌اکنون سازمانهای پنهانی بوجود آورده‌اند و خود را برای «لحظه تاریخی»، یعنی لحظه وارد آوردن ضربه ناگهانی به نظام انقلابی آماده می‌سازند. بر خورد با این

سرسپردگان رژیم شاه مخلوع، و شاگردان مکتب سیا و موساد و ساواک نشان میدهد که آنها با چه کین و نفرتی از انقلاب ایران و از رهبران اسلامی و نیروهای انقلابی چپ یاد میکنند و چه نقشه‌های جهنمی در سر می‌چرخانند.

دولت آقای مهندس بازرگان میخواهد با همین نیروها، همین سرهنگان و سرگردان «شاه زده»، نیروهای انتظامی را باز سازی کند و آنها را به سر نوشت انقلاب ایران مسلط سازد. این اشتباه تاریخی بزرگی است که اگر بموقع، و بطور قطع تصحیح نشود، برای انقلاب ایران و حتی برای خود آنها تکیه این اشتباه را به مردم ایران تحمیل میکنند، بسیار گران تمام خواهد شد.

بر پایه این دور بینی و واقع بینی سیاسی است که همه نیرو های راستین انقلاب ایران، صرف نظر از اعتقادات مسلکی و سیاسی خود، یک زبان خواستار پاکسازی هر چه سریعتر نیروهای انتظامی و در درجه اول ارتش، از هواداران رژیم سرنگون شده، از شاگردان مکتب امپریالیسم آمریکاهستند. بدون این پاکسازی موافق جدی در راه جنبش انقلابی بوجود خواهد آمد.

حزب توده ایران میدانند که در میان افسران و درجه داران نیروهای انتظامی رژیم شاه مخلوع، عناصر میهن پرست و آزادیخواه کم نیستند. بعلاوه عده زیادی از این گونه افسران، که از خدمت برکنار شده‌اند، امروز آماده خدمت به انقلاب هستند. باید این عناصر میهن پرست و آزادیخواه را از سرسپردگان به رژیم سرنگون شده جدا کرد و از ترکیب عناصر میهن پرست و آزادیخواه با عناصر انقلابی، که در جریان انقلاب جان بسرف علیه رژیم شاه مخلوع چنگیدند، پایه‌های نیروهای انتظامی ملی و خلقی را پی‌ریزی کرد. این البته کاریست دشوار و پر مسئولیت و تنها در چهار چوب همکاری بی‌شائبه همه نیروهای انقلابی، میتواند عملی گردد.

حزب توده ایران، با سایر نیروهای انقلابی و میهن پرست، که خواستار نگهداری و تقویت سپاه پاسداران انقلاب و ایجاد یک سازمان ملی و خلقی برای مبارزه با بقایای ساواک و هم‌زمان است و عقیده دارد که برای ایجاد این سازمانها باید از همه نیروهای مبارز خلقی کمک گرفته شود.

یک چنین سازمانهای خلقی، هنگامی میتوانند از دستبرد عناصر دشمن در امان قرار گیرند، که متکی به «جبهه متحد نیروهای انقلابی خلق» باشند و در درون آنها زمینه مساعدی برای افشاندن تخم نفاق و چند دستگی، تخم تمایلات انحصار طلبی و تسلط جوئی وجود نداشته باشد. میدان دادن به نفاق، انحصار طلبی، خصومت با آنها تکیه بنحو دیگری فکر میکنند، همیشه زمینه را برای دسیسه کاری نفاق افکنان و عوامل دشمن فراهم می‌سازد.

این است نظر حزب توده ایران درباره عمده ترین مسائل و مشکلات جنبش انقلابی ایران در لحظه بسیار دشوار، پیچیده و پر مسئولیت کنونی.

ما یکبار دیگر خلاصه میکنیم:

۱ - دشمنان انقلاب ما، یعنی امپریالیستها، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، با بکار انداختن همه ابزارهایشان یعنی (عوامل صهیونیسم و بازماندگان رژیم سرنگون شده) و طبقات و قشرهای زخم خورده حاکمه (یعنی سرمایه داران و زمین داران بزرگ وابسته به امپریالیسم) بدست گروههای مجهز خرابکار ساواک، بدست گروهی از هواداران خود در فرماندهی نیروهای انتظامی، بدست عوامل خود که در همه سازمانهای دولتی پایگاههای محکمی دارند و حتی در سازمانهای انقلابی رخنه کرده‌اند، با تمام نیرو توطئه میکنند و میکوشند روند تثبیت، باز سازی و نوسازی نظام نوین انقلابی را در مهن ما، فلج و مردم را ناراضی کنند و آنها را بدامهای رنگارنگ ضد انقلاب بکشانند.

۲ - در چنین شرایطی، تنها از راه ایجاد همبستگی همگانی همه نیروهای انقلابی، همه نیروهای ضد امپریالیست، هوادار استقلال، تمامیت ارضی، آزادی و پیشرفت اجتماعی میتوان این دسیسه‌های ضد انقلاب را نقش بر آب کرد و راه را برای پیشروی و گسترش انقلاب تاریخی مردم ایران هموار ساخت.

۳ - حزب توده ایران عقیده دارد که یک چنین همبستگی همگانی نیروهای انقلابی، در لحظه کنونی، عملاً تنها در زیر رهبری امام خمینی امکان پذیر است، که به پاس پیگیری و قاطعیت تاریخی خود در تجهیز نیروهای خلق علیه امپریالیسم، صهیونیسم و رژیم شاه مخلوع، به پاس ایستادگی در جهت هدفهای اساسی انقلاب ایران، از بالاترین اعتبار و نفوذ در میان مردم ایران برخوردارند.

۴ - حزب توده ایران همه گروههای راستین هوادار انقلاب ایران را فرامیخواند که با کنار گذاشتن همه پیشداوریها، با دست کشیدن از انحصار طلبی و تسلط جوئی، با کنار گذاشتن مسائل فرعی و غیر عمده، تمام تلاش خود را برای بوجود آوردن یک چنین همبستگی همگانی نیروهای میهن پرست بکار اندازند.